

ارائه مدل مفهومی و چهارچوب طراحی شهری حساس به میراث^۱

معصومه آیشم*^۱، سارا روحانی زاده^۲

۱- استادیار گروه شهرسازی، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
[*m.ayashm@tabriziau.ac.ir](mailto:m.ayashm@tabriziau.ac.ir)

چکیده

بافت‌های تاریخی شهرهای ایران، علیرغم دارا بودن ارزش‌های ماندگار معماری و شهرسازی، همواره در معرض مداخلات ناهماهنگ، مقطعی و توسعه‌های فاقد حساسیت نسبت به زمینه قرار دارند. فقدان یک چارچوب نظری و عملی منسجم برای سنجش میزان «حساسیت» مداخلات جدید در پهنه‌های میراثی، مسئله‌ای اساسی است که پژوهش حاضر به حل آن پرداخته است. هدف اصلی این مقاله، ارائه مدل مفهومی و چارچوب عملیاتی «طراحی شهری حساس به میراث» در سه مقیاس بنا، فضای شهری و بافت شهری می‌باشد. پرسش‌های اصلی پژوهش عبارتند از: «جایگاه و اهمیت طراحی شهری حساس به میراث در شهرسازی معاصر چیست؟» و دوم، «مؤلفه‌ها، معیارها و سنجه‌های طراحی شهری حساس به میراث در مداخلات شهری به تفکیک مقیاس مداخله کدامند؟» پژوهش حاضر از نوع کاربردی و مبتنی بر رویکرد غالب کیفی به شیوه ترکیبی مروری-تحلیلی است. روش‌شناسی در سه فاز طراحی گردید: فاز اول، مرور نظاممند ادبیات و تحلیل محتوای کیفی، فاز دوم، پالایش مدل با تکنیک دلفی در سه دور با مشارکت پانلی ۲۵ نفره از خبرگان و فاز سوم، تدوین مدل نهایی و تعیین شیوه‌های ارزیابی متناسب با هر شاخص می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که طراحی شهری حساس به میراث، نیازمند تفکیک سه مقیاس مجزا است. مدل نهایی مشتمل بر ۴۱ شاخص در سه مقیاس (بنا، فضای شهری، بافت شهری) و برای هر شاخص، شیوه ارزیابی مناسب تعیین گردید. در مقیاس بنا، شاخص‌هایی نظیر «تداوم ریخت‌شناختی» و «اصالت جوهری»؛ در مقیاس فضای شهری، «نفوذپذیری بصری» و «مقیاس انسانی»؛ و در مقیاس بافت شهری، «ساختار ریخت‌شناختی» و «تداوم منظر فرهنگی» از اهمیت بالاتری برخوردارند. در فرآیند مدل‌سازی، اجماع نظر خبرگان در ۹۲٪ شاخص‌ها حاصل شد که نشان‌دهنده روایی محتوایی بالای مدل است. نتیجه آنکه چارچوب ارائه شده می‌تواند به عنوان یک ابزار مرجع برای طراحان شهری، برنامه‌ریزان، مرمگران و مدیران میراث در جهت سنجش و ارتقاء حساسیت مداخلات در بافت‌های تاریخی مورد استفاده قرار گیرد و در مسیر مداخله در بسترهای واجد ارزش به گونه ای موثر و آگاهانه اقدام گردد.

واژگان کلیدی: ارزش، میراث معماری و شهرسازی، طراحی شهری حساس به میراث، بافت تاریخی، بنای تاریخی.

^۱ این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم با عنوان «طراحی شهری حساس به میراث در بافت تاریخی محلات (نمونه موردی محله شتران تبریز)» به راهنمایی نویسنده اول در دانشگاه هنر اسلامی تبریز می‌باشد.

روند فزاینده‌ی شهرنشینی و گسترش بی‌رویه و شتاب‌زده‌ی توسعه‌ی شهری در دهه‌های اخیر، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، تأثیرات عمیق و گاه جبران‌ناپذیری بر ساختارهای فضایی، کالبدی و اجتماعی شهرها برجای نهاده است. در این میان، بافت‌های تاریخی که حامل هویت، حافظه‌ی جمعی و تجلی‌گاه سبک زندگی اصیل شهری هستند، بیش از سایر بخش‌های شهر در معرض آسیب قرار گرفته‌اند. این آسیب‌ها نه تنها ناشی از فرسودگی طبیعی کالبدی در گذر زمان، بلکه حاصل مداخلات ناپایدار، بی‌ضابطه و فاقد درک زمینه‌ای بوده‌اند که در بسیاری موارد منجر به گسست کامل در پیوستار حیات تاریخی و فرهنگی این بافت‌ها شده است. "محلات تاریخی را می‌توان واجد ارزش‌های منحصر به فردی دانست که آن‌ها را سایر محلات شهری متفاوت می‌سازد. در عین حال این محلات برای رفع نیازهای ساکنان خود ناچار به پذیرش تغییراتی هستند که سرعت آن باید متناسب با طرح نیازهای شهروندان در آن جامعه داشته باشد. بدیهی است محیطی که نتواند خود را با نیازهای شهروندان تطبیق دهد، به تدریج وارد فرایندی شده که فرسودگی را به همراه خواهد داشت" (حسن زاده و سلطان زاده، ۱۳۹۶: ۵۸).

از سویی دیگر، بافت‌های تاریخی در معرض چالش‌هایی چون بی‌توجهی ساختاری در نظام برنامه‌ریزی شهری، عدم اولویت‌بخشی در سیاست‌های کلان توسعه، و نگاه صرفاً کالبدی و منفعل به میراث قرار دارند. فضاهای ارزشمند شهری و معماری سنتی ما، که می‌توانند نقشی کلیدی در ارتقاء کیفیت زندگی شهری، گردشگری پایدار، و تقویت هویت ایفا کنند، عمدتاً یا در حال تخریب‌اند، یا در بهترین حالت در قالب اقدامات سطحی و صوری «حفاظت» می‌شوند؛ بدون آنکه درک عمیقی از زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و زیستی آن‌ها صورت گرفته باشد. در این میان، فضاهای عمومی بافت‌های تاریخی به فضاهای بی‌دفاع شهری تبدیل شده‌اند؛ فضاهایی که در گذشته بستر تعاملات اجتماعی، روابط همسایگی و هم‌پیوندی اقتصادی بوده‌اند، اما امروز به دلیل رهاسدگی، کاهش امنیت، فقدان کارکردهای متناسب و حضور کاربری‌های ناسازگار، به محیط‌هایی با کیفیت پایین و حتی طردکننده بدل شده‌اند. افزون بر آن، ساخت‌وسازهای ناهماهنگ، افزایش بی‌ضابطه‌ی تراکم و ارتفاع ساختمان‌ها، و ورود کاربری‌هایی که با ماهیت سکونت‌محور و آرام بافت‌های تاریخی در تضادند، سیمای کالبدی محلات تاریخی را به شدت دگرگون ساخته و باعث اختلال در خوانایی و انسجام فضایی آن‌ها شده‌اند. در چنین شرایطی، مداخلات شهری عمدتاً در دو طیف افراط و تفریط قرار می‌گیرند: یا رویکردی سخت‌گیرانه و غیرمنعطف در حفاظت کالبدی (بدون توجه به زیست اجتماعی) اتخاذ می‌شود، یا با رویکردی توسعه‌گرا و نوسازی‌محور، زمینه نابودی میراث ملموس و ناملموس فراهم می‌گردد. این دوگانگی بین حفاظت و توسعه، از فقدان یک چارچوب نظری منسجم، زمینه‌گرا و بومی‌ساخت در طراحی شهری سرچشمه می‌گیرد. در پاسخ به این نیاز، رویکرد «طراحی شهری حساس به میراث» به‌عنوان رهیافتی میان‌رشته‌ای و انعطاف‌پذیر، تلاش می‌کند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی، درک زمینه‌ای، و مشارکت ذی‌نفعان محلی، راه‌حلی متعادل برای مواجهه با این چالش‌ها ارائه دهد. این رویکرد با پرهیز از تقلیل‌گرایی و با تأکید بر انسجام بین لایه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی، می‌تواند پاسخی هوشمندانه و بومی‌گرا برای ارتقاء زیست‌پذیری در بافت‌های تاریخی ارائه دهد.

در رابطه با بافت‌های تاریخی و کهن شهری، مطالعات گسترده‌ای در ایران شکل گرفته است که هر کدام از این منابع از زوایای متنوعی نظیر آسیب‌شناسی بافت‌ها، عناصر مشترک تمامی بافت و... به بررسی این فضاها پرداخته‌اند. آپاندینو^۱ (۲۰۱۸) در مقاله خود به یک مرور نظام‌مند از شاخص‌های مرتبط با میراث در توسعه پایدار شهری پرداخته است. این پژوهش از جهت روش‌شناختی، تأکید دوباره‌ای بر ضرورت خروج از نگاه موردی و جزیره‌ای در ارزیابی مداخلات شهری دارد. عبدالرحیمان^۲ (۲۰۲۵) در پژوهش خود به ارائه یک مقیاس روان‌سنجی برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی-فرهنگی پروژه‌های توسعه شهری بر بافت‌های تاریخی می‌پردازد. این پژوهش با هدف تدوین و اعتبارسنجی روان‌سنجی اجتماعی-فرهنگی میراث شهری

¹ Appendino

² Abdurahiman

(UHSCIA) انجام شده است تا بتواند تأثیر پروژه‌های توسعه شهری را بر بافت اجتماعی-فرهنگی پهنه‌های تاریخی شهری ارزیابی کند و رویکردی مبتنی بر «میراث‌محوری» (heritage-led) در مداخلات شهری تسهیل کند.

آی‌شم (۱۳۹۵) در پژوهش خود با تمرکز بر بافت تاریخی شهر ارومیه، به مطالعه‌ی نقش تنوع فرهنگی و دینی در شکل‌گیری مسیرهای گردشگری درون شهری پرداخته است. این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد «طراحی ارزش‌مدار»، به دنبال احیای هویت فرهنگی و تقویت پیوندهای اجتماعی میان ساکنین و گردشگران در بافت کهن ارومیه است. در این تحقیق، ابتدا به بررسی وضعیت کالبدی، اجتماعی و فرهنگی بافت پرداخته شده و سپس با شناسایی عناصر هویتی و تاریخی آن، طراحی مسیری برای بازنمایی تاریخ همزیستی ادیان و اقوام مختلف در شهر پیشنهاد شده است. این پژوهش با تکیه بر تعاملات فرهنگی، بر نقش طراحی شهری در ایجاد مسیرهای معنادار و هویت‌بخش تأکید دارد و از این جهت، می‌تواند به‌عنوان الگویی کاربردی برای باززنده‌سازی بافت‌های تاریخی با تنوع فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد. عباس‌زاده و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین جایگاه ارزش‌های میراث معماری و شهرسازی در طرح‌های توسعه شهری» نشان داده‌اند که طرح‌های توسعه شهری در ایران غالباً با غفلت از ارزش‌های نهفته در بافت‌های تاریخی تدوین می‌شوند و این امر منجر به تخریبات جبران‌ناپذیر و از دست رفتن هویت محلی گردیده است. آنان بر ضرورت بازنگری در نظام برنامه‌ریزی و جایگزینی ضوابط کمی با شاخص‌های کیفی-مکانی مبتنی بر میراث تأکید کرده‌اند.

در مطالعات حوزه شهرسازی خاصه برنامه‌ریزی و طراحی شهری تفکیک سطوح و تحلیل برپایه مقیاس یکی از روش‌های رایج و اصلی پذیرفته شده است. به عنوان مثال در کتاب «طراحی شهری: ترکیب پیچیدگی»^۱ به قلم ران کاسپرینسین^۲ پیشنهاد می‌کند مطالعات شهری خاصه طراحی شهری جهت عمق و اثربخشی بیشتر باید در سه سطح (سطح کلان (ساختار کلی شهر و بافت ها و مناطق شهری)؛ سطح میانه (خیابان ها و میادین و به طور عام فضاهاى شهری)؛ سطح خرد (جزئیات کالبد تک بنا و الحاقات و ...)) بررسی شوند و برای هر سطح ابزارها، روش‌ها و مخاطبان متفاوتی را پیشنهاد می‌کند. از این روی در پژوهش حاضر نیز به جهت عمق بیشتر بر رویکرد طراحی شهری حساس به میراث، به بررسی همزمان هر سه مقیاس پرداخته شده است. فقدان یک چارچوب یکپارچه و چندسطحی که موضوع «طراحی شهری حساس به میراث» را به طور همزمان در سه مقیاس بنا (جزئیات معماری و عناصر منفرد)، فضای شهری (محورها، میادین، گذرها) و بافت شهری (محله، منطقه تاریخی) عملیاتی کند و برای هر یک از این مقیاس‌ها، مؤلفه‌ها، متغیرها و سنجه‌های مشخص (اعم از کیفی و کمی) ارائه دهد، را می‌توان از ضرورت‌های پژوهش حاضر دانست. به عبارتی پژوهش حاضر با هدف پر کردن همین خلأ، ضمن بهره‌گیری از یافته‌های مطالعات پیشین، کوشش می‌کند تا یک «مدل مفهومی و چارچوب طراحی شهری حساس به میراث» را در سه مقیاس بنا، فضای شهری و بافت استخراج نموده و برای هر مقیاس، فهرستی از کیفیت‌ها، مؤلفه‌ها و سنجه‌های قابل ارزیابی ارائه دهد. نوآوری پژوهش حاضر در «یکپارچگی سطوح» و «عملیاتی‌سازی همزمان ابعاد کالبدی، ادراکی-معنایی، کارکردی و فرایندی» نهفته است که آن را از پژوهش‌های پیشین متمایز می‌سازد.

با اتکا بر ضرورت وجود چارچوبی یکپارچه، نظام‌مند و فراتر از رویکردهای جزءنگر در مداخلات بافت‌های تاریخی و ارزشمند شهری، پژوهش حاضر با هدف ارائه «مدل مفهومی و چارچوب طراحی شهری حساس به میراث» تدوین شده است. این پژوهش در راستای پاسخ‌گویی به دو پرسش اساسی صورت می‌پذیرد: نخست، «جایگاه و اهمیت طراحی شهری حساس به میراث در شهرسازی معاصر چیست؟» و دوم، «مؤلفه‌ها، معیارها و سنجه‌های طراحی شهری حساس به میراث در مداخلات شهری به تفکیک مقیاس مداخله کدامند؟». برای دستیابی به این هدف، پس از بررسی نظام‌مند ادبیات نظری و پیشینه‌های تجربی مرتبط، کوشش شده است تا مدل مفهومی طراحی شهری حساس به میراث در سه مقیاس اصلی و به‌هم‌پیوسته شامل مقیاس بنا (و

¹ Urban Design: The Composition of Complexity

² Ron Kasprisin

عناصر معماری منفرد)، مقیاس فضای شهری (محورها، میادین، گذرها) و مقیاس بافت شهری (محله، منطقه تاریخی) تبیین گردد. بر این اساس، برای هر یک از این سطوح، کیفیت‌های کلیدی، مؤلفه‌های سازنده و سنجه‌های عملیاتی‌شونده (شاخص‌های کمی و کیفی) شناسایی و استخراج شده و در نهایت، چارچوب جامعی ارائه می‌شود که بتواند راهنمای طراحان، برنامه‌ریزان و مدیران شهری در مواجهه آگاهانه و حساس با میراث قرار گیرد.

۲- روش شناسی

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کاربردی است و مبتنی بر رویکرد غالب کیفی به‌شیوه ترکیبی مروری-تحلیلی انجام شده است. این روش شناسی در سه فاز اصلی سازماندهی گردیده و ابزارها و شیوه‌های تحلیل کیفی را به صورت گام به گام به کار می‌گیرد تا ضمن کشف ابعاد نظری، مدل مفهومی با نظر خبرگان پالایش شده و مؤلفه‌ها، معیارها و شاخص‌های و شیوه‌های ارزیابی در طراحی شهری حساس به میراث تبیین و تعیین گردد. در فاز اول ادبیات و مبانی نظری حوزه‌های مرتبط (محوریت‌های جست و جو: ارزش، میراث، ارزش‌های معماری و شهرسازی، میراث معماری و شهرسازی، طراحی شهری حساس به میراث) به جهت شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های اولیه «طراحی شهری حساس به میراث» انجام شده است. جستجوی منابع و مطالعات در پایگاه‌های معتبر علمی داخلی (SID, Magiran, Noormags, Ensani) و بین‌المللی (ScienceDirect, Scopus, Web of Science, Google Scholar, Taylor & Francis, SpringerLink) با استفاده از کلیدواژه‌های فارسی و انگلیسی اقدام شد. فرآیند جستجو، غربالگری و انتخاب منابع بر اساس پروتکل مشخصی صورت گرفت که در آن متغیرهای ورود به ارزیابی (ارتباط مستقیم با موضوع، اعتبار علمی ناشر، سال انتشار ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵، نوآوری در ارائه شاخص‌ها) و متغیرهای خروج (عدم ارتباط موضوعی، انتشار قبل از ۲۰۰۰ به جز منابع بنیادین، فاقد نوآوری) تعیین گردید. در مرحله نخست جستجو، تعداد کل منابع شناسایی شده ۵۲۸ منبع و مقاله بود. پس از حذف موارد تکراری و قدیمی (بر اساس متغیرهای خروج)، ۴۴۷ منبع باقی ماند. در گام بعدی، غربالگری منابع بر اساس عنوان و چکیده صورت گرفت که طی آن ۲۶ منبع دیگر حذف شده و ۴۲۱ منبع برای بررسی دقیق‌تر باقی ماندند. در مرحله بعد، منابع از نظر متن کامل مورد بررسی قرار گرفتند و ۱۳۸ مقاله به عنوان منابع بالقوه برای تحلیل انتخاب شدند. در نهایت، از میان ۱۳۸ مقاله باقی‌مانده، ۸۳ مقاله که واجد بالاترین سطح ارتباط موضوعی، اعتبار علمی و نوآوری بودند، به مرحله تحلیل و بهره‌گیری در پژوهش وارد شدند. تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی بر روی ۸۳ منبع منتخب اجرا گردید. ۸۳ منبع باقی‌مانده مشتمل طیف متنوعی از فعالیت‌های علمی-پژوهشی و اجرایی (منابع علمی و معتبر، اسناد بین‌المللی، مطالعات تجربی، پژوهش‌های مرتبط با زمینه بومی-منطقه‌ای و ...) است. در این تحلیل، ابتدا متن‌ها کدگذاری باز شدند و کدهای اولیه استخراج گردید؛ سپس کدها در قالب مقوله‌های محوری دسته‌بندی شدند. در این فرآیند، مفاهیم کلیدی و شاخص‌های مرتبط با طراحی شهری حساس به میراث در سه مقیاس بنا، فضای شهری و بافت شهری شناسایی شدند. در پایان این فاز، مدل مفهومی اولیه مشتمل بر سه مقیاس (بنا، فضای شهری و بافت شهری) و فهرستی مقدماتی از معیارها و شاخص‌های مولفه‌های شناخت شهری در طراحی شهری به دست آمد. همچنین، بررسی رویکردهای نسبتاً مرتبط و ادبیات آن نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود رویکردهایی مانند منظر شهری تاریخی، بازآفرینی میراث‌محور و طراحی حساس به زمینه، یک چارچوب منسجم و عملیاتی که به طور خاص به سنجش «حساسیت» مداخلات در سه مقیاس مذکور بپردازد، در ادبیات طراحی شهری موجود و معاصر به‌صورت نظام‌مند تدوین نشده است. این شکاف پژوهشی، ضرورت و نوآوری پژوهش حاضر را در فازهای بعدی (پالایش مدل با تکنیک دلفی و تدوین چارچوب نهایی) توجیه می‌نماید.

در فاز دوم پالایش مدل با استفاده از تکنیک دلفی برای افزایش روایی محتوایی و تناسب مدل اولیه با زمینه عملی (بافتهای تاریخی ایران)، تکنیک دلفی در سه دور اجرا شد. ابتدا پانل خبرگان با روش نمونه گیری هدفمند و گلوله برفی به تعداد ۲۵ نفر از متخصصان در سه حوزه تخصصی «طراحی شهری»، «مرمت و حفاظت میراث» و «ارزیابی محیطی» تشکیل گردید. اعضای پانل شامل اساتید دانشگاه، پژوهشگران برجسته، مدیران و کارشناسان ارشد سازمان های مرتبط با بافت های تاریخی (شهرداری، اداره میراث فرهنگی، دفاتر طرح های توسعه شهری) بودند. در دور اول دلفی، پرسشنامه باز شامل مدل مفهومی اولیه و سؤالاتی **در مورد ضرورت، تناسب و ارتباط هر شاخص با مقیاس مربوطه**، در اختیار خبرگان قرار گرفت. پاسخ ها به صورت کیفی تحلیل و بر اساس نظرات اصلاحی، **فهرست شاخص ها تعدیل و شاخص های جدید پیشنهادی** به مدل افزوده شد. در دور دوم، پرسشنامه بسته با مقیاس ۵ درجه ای لیکرت (از «بسیار ضروری» تا «بسیار غیرضروری») برای **سنجش میزان اهمیت هر شاخص طراحی** گردید. در این مسیر شاخص هایی که میانگین کمتر از ۳.۵ یا توافق کمتر از ۶۰٪ داشتند، حذف گردیدند. در دور سوم، نتایج دور دوم به همراه نظرات گوناگون دریافت شده، به خبرگان بازخورد داده شد تا در صورت تمایل نظرات خود را اصلاح کنند. پس از سه دور، اجماع نظر در ۹۲٪ شاخص ها حاصل شد و مدل پالایش شده نهایی (شامل ۴۱ شاخص در سه مقیاس) به دست آمد.

در فاز سوم تدوین مدل نهایی و چارچوب طراحی شهری حساس به میراث ارائه شد. در فاز پایانی، کلیه یافته های فازهای اول و دوم تلفیق شده و «مدل مفهومی و چارچوب عملیاتی طراحی شهری حساس به میراث» در سه مقیاس (بنا، فضای شهری، بافت شهری) ارائه گردید. برای هر مقیاس، معیار ها و شاخص های نهایی دسته بندی شدند. همچنین برای هر شاخص، «شیوه ارزیابی» مناسب (شامل پیمایش میدانی، تحلیل نما و جداره، مدل سازی سه بعدی، تحلیل نحو فضا، پرسشنامه از کاربران و مشاهده مشارکتی و ...) تعیین گردید. بدین ترتیب، پژوهش حاضر به یک چارچوب جامع و قابل کاربرد برای طراحان شهری، برنامه ریزان شهری، مرمت گران و مدیران میراث دست یافته است که هم دارای پشتوانه نظری (برآمده از مرور نظام مند ادبیات با پروتکل شفاف و ارزیابی کیفی منابع) است و هم با فرآیندهای تصمیم گیری عملی در بافت های تاریخی تطابق دارد. در شکل زیر خلاصه ای فرآیند و روش پژوهش ارائه شده است.

روش و فرآیند پژوهش		
فاز سوم	فاز دوم	فاز اول
تدوین مدل نهایی و چارچوب طراحی شهری حساس به میراث	پالایش مدل با استفاده از تکنیک دلفی	جست و جو و بررسی ادبیات و مبانی نظری حوزه های مرتبط
تلفیق یافته های فاز اول و دوم	ارائه تکنیک دلفی در سه دور	غربالگری منابع
مدل مفهومی و چارچوب عملیاتی و نهایی طراحی شهری حساس به میراث به تفکیک معیار، شاخص و شیوه ارزیابی	استخراج مدل پالایش شده نهایی شامل ۴۱ شاخص در سه مقیاس (بنا، فضای شهری، بافت تاریخی)	تهیه فهرستی مقدماتی از معیارها و شاخص های مولفه های شناخت شهری در طراحی حساس به میراث

شکل ۱- فرآیند پژوهش، ماخذ: نگارندگان.

۳- چارچوب و مبانی نظری

فرآیند مطالعه و تدوین مبانی نظری پژوهش حاضر، با رویکردی هدفمند و مسئله‌محور، حول سه محوریت کلیدی سازماندهی شده است که در تعامل با یکدیگر، هسته مفهومی «طراحی شهری حساس به میراث» را شکل می‌دهند: نخست، «ارزش‌های میراث معماری و شهرسازی» به مثابه بنیاد و جوهره هرگونه مداخله آگاهانه در بافت‌های تاریخی؛ دوم، «مولفه‌های طراحی شهری» به عنوان ابزارها و سازوکارهای عملیاتی تحقق‌بخش این ارزش‌ها در عرصه کالبدی و فضایی؛ و سوم، «بافت‌های تاریخی» به عنوان بستر و زمینه عینی ارزش‌های میراث معماری و شهرسازی. از آنجا که هرگونه طراحی آگاهانه و حساس به میراث، پیش و بیش از هر چیز نیازمند شناسایی و تبیین دقیق «چیستی» و «چرایی» ارزش‌هایی است که حفاظت از آنها هدف اصلی است، در نخستین گام از این، به بررسی مفهوم و ابعاد ارزش‌های میراث معماری و شهرسازی پرداخته شده است. این ارزش‌ها نه صرفاً به عنوان معیارهای حفاظتی، بلکه به عنوان مبانی هویت‌بخش و جهت‌دهنده هرگونه تحول و دگرگونی در فضاهای شهری دارای قدمت، جایگاهی بنیادین دارند. بدون شناخت دقیق از ارزش‌های نهفته در لایه‌های کالبدی، تاریخی، اجتماعی و معنایی یک مکان، هرگونه مداخله طراحی، حتی با بالاترین سطح مهارت فنی، در معرض خطر گسست از هویت و زمینه قرار خواهد گرفت. از این رو، پژوهش حاضر با نگاهی سیستمی، نخست به تبیین ارزش‌های میراث معماری و شهرسازی می‌پردازد و سپس در گام بعدی، با اتکا به این ارزش‌شناسی، به بررسی رویکرد طراحی شهری حساس به میراث و چالش‌های بافت‌های تاریخی از منظر ابعاد طراحی شهری می‌پردازد تا ارتباط بین حوزه‌ها تبیین شود.

۳-۱- ارزش و میراث معماری و شهرسازی

ارزش از واژه‌های مبهم و پیچیده‌ای است که از گذشته همواره در ذهن فیلسوفان و محققین با عناوین مختلف مطرح بوده است می‌توان ارزش را اصول، اولویت‌ها و معیارهای فردی و گروهی برای ارجحیت دادن چیزی به چیز دیگر تعریف کرد. ارزش پدیده‌ای نسبی، متغیر، زاده اجتماع و منعکس‌کننده تفکرات، بینش، فعالیت‌ها و مسائل بنیادین یک جامعه مانند فرهنگ، اقتصاد و سیاست است. از این رو تعیین ارزش بدون در نظر گرفتن زمینه‌های اجتماعی تولیدکننده ارزش غیرممکن است (Throsby, 2000). واژه ارزش در حوزه‌ها و رشته‌های متعددی وارد شده و در هر حوزه متناسب با نیاز آن تعریف و توصیف گردیده است. یکی از این حوزه‌ها، حوزه میراث فرهنگی می‌باشد. نفوذ مفهوم ارزش در میراث فرهنگی و توجه بیش‌ازپیش به مفهوم ارزش‌گذاری منجر به بروز تحولی بنیادین در این حوزه گردید (عباس زاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۷۴). در مجموع می‌توان گفت، ارزش و شناخت ارزش‌ها از موضوعات تاثیرگذاری بوده که در حوزه‌های مختلف دانشی ورود کرده و تحولات بسیاری را به ارمغان آورده است. حوزه مطالعات شهری و شهرسازی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بحث ارزش‌های معماری و شهرسازی در مداخلات شهر خاصه بافت‌های مرکزی و تاریخی شهرها را وارد نموده است (آیسم و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۱).

ارزش همواره دلیل اصلی حفظ میراث بوده است. بدیهی است که هیچ جامعه‌ای برای حفظ آنچه برای آن ارزش ندارد تلاش نمی‌کند (De la Torre ed, 2002: 3). با این حال وزنی که به سودمندی و مزایای هر ارزش داده می‌شود دائماً در حال تغییر است (Avrami et al, 2019: 10)، (نظیری و فدایی نژاد، ۱۴۰۱: ۲۲). واژه ارزش در مطالعات معماری و شهرسازی، اولین بار در مقاله‌ای با عنوان "میراث معماری و شهرسازی و پارادایم مدرنیته؛ منشا و خاستگاه آن" به قلم آلیس ریگل^۱ در سال ۱۹۰۳ میلادی مطرح شد. وی در مقاله ارزش‌ها را دو دسته قرار می‌دهد: ارزش‌های تاریخی و ارزش‌های هنری. وی واژه ارزش‌های میراث معماری و شهرسازی را در ابتدا با عنوان ارزش تاریخی بعد از رنسانس مطرح نمود و منظور از این واژه در واقع وجود یک بستری تاریخی در گذر زمان که یکسری مفاهیم توسعه را برای نسل‌های بعدی به ارمغان می‌آورد، عنوان شد. به عبارتی دیگر مهمترین محوریت در مبحث ارزش‌ها وجود ارزش تاریخی است.

¹ Alois Riegl

میراث معماری و شهرسازی، ورای صورت بیرونی، حامل معنایی است که وجه درونی و ماهوی آن را شکل می دهد (یادگاری، ۱۳۹۹: ۱۰۵). اگرچه ارزش ها مفاهیمی نظری هستند، اما در برخی از موارد در کالبد تجسم یافته و قابل درک می شوند. میراث معماری و شهرسازی امروزی به یک باره شکل نیافته است، بلکه بر پایه اعتقادات و یک بستر فرهنگی-اجتماعی از سنت ها و باورها شکل خاصی بر خود گرفته است. از این روی می توان گفت ارزش های میراث معماری و شهرسازی در قالب ارزش های تجسم یافته در شهر در سه عنوان جای داده می شود: ارزش های فرهنگی-تاریخی، ارزش های کالبدی و ارزش های ادراک محیط پیرامون (Nejad Ebrahimi, 2015: 184).

براساس مطالعات صورت گرفته در حوزه ارزش های میراث معماری و شهرسازی، دسته بندی های انجام شده از مفهوم ارزش توسط ریگل (A.D1۹۹۶)، فیلدن (A.D۲۰۰۳)، فیلدن و یوکیلتو (۱۳۸۲)، راندال (A.D۲۰۰۲)، تراسی (A.D۲۰۰۰)، ولز (A.D۲۰۰۹)، حجت (۱۳۸۰)، حناچی و پورسراجیان (۱۳۹۱)، رحیم زاده (۱۳۸۸) و نژاد ابراهیمی (۱۳۹۲) و... در مقالات و پژوهش های گوناگون نشان دهنده ی گستردگی این مفهوم در حوزه مطالعات معماری و شهرسازی می باشد (آیتم، ۱۳۹۹: ۷۵). تنوع در ارائه دسته بندی گوناگون در این حوزه را می توان در واقع نمادی از گستردگی در نوع نگاه دانست. همانطور که قبلا نیز اشاره گردید دسته بندی های گوناگون این حوزه در واقع نشئت گرفته از فرهنگ جوامع، نیاز پژوهش و اولویت های ذهنی افراد بوده است و در هر پروژه و یا طرح با توجه به اولویت ها و اهداف پروژه می تواند تغییر بیابد. اما در حالت کلی اشاره به این مهم ضروری به نظر می رسد که، نقطه اشتراک تمامی این دسته بندی ها و تقسیمات توجه به امر فرهنگ و تاثیر آن در جامعه در بستری تاریخی می باشد. آنچه در شناخت و بررسی ارزش ها بسیار مهم و اساسی است، شناخت ارزش های نشئت گرفته از فرهنگ های متفاوت، نیازهای جامعه مورد بررسی به عنوان مکانیسم اصلی، وضعیت جامعه، اعتقادات و اولویت های ذهنی افراد نسبت به این موضوع که از چه زاویه و نظرگاهی و با چه هدف و برنامه های پژوهشی مورد بررسی قرار گیرد، است. باتوجه به مفاهیم ذکر شده درباب ارزش های معماری و شهرسازی می توان از جدول زیر بهره برد.

جدول ۱- طبقه بندی مفهومی ارزش ها در حوزه میراث فرهنگی (ماخذ:عباس زاده و دیگران ۱۳۹۴)

گونه ارزشی		زیر ارزش ها		توضیحات
۱	ارزش های تاریخی	ارزش ها بارویکرد مفهومی	کیفیت ایده / کیفیت پدیده (طرح و اجرا)	ارزشهای تاریخی به ارزشهایی گفته میشوند که در زمان خلق اثر در کیفیت و کمیت طراحی، نوع اجرا و مهارت ها و بسیاری از موارد دیگر منابع میراث ذخیره شده اند. این گونه ارزشی در دو دسته مورد ارزیابی قرار می گیرد؛ ارزش های تاریخی با رویکرد مفهومی و ارزش های تاریخی با رویکرد کالبدی
		ارزش ها بارویکرد کالبدی	اصالت در مصالح/ اصالت در طرح/ رابطه با بستر طبیعی و فیزیکی/ مهارت ها	
۲	ارزش های فرهنگی-اجتماعی	ارزش های اعتقادی	ارزش دینی ارزش معنوی ارزش سنت ها ارزش نمادین و مذهبی	ارزش های فرهنگی اجتماعی به ارزش هایی اطلاق میشوند که به مرور و در یک بستری تاریخی در جریان زندگی از گذشته تا حال در منابع میراث به ودیعه گذاشته شده اند و امروزه در اتخاذ سیاست های حفاظتی بسیار اهمیت دارند. ارزش های فرهنگی اجتماعی را با توجه به موضوع پژوهش می توان در قالب سه زیرارزش مطرح کرد؛ ارزش های هویتی پژوهش می توان در قالب سه زیرارزش مطرح کرد؛ ارزش های هویتی
		ارزش های احساسی	اعجاب ارزش هنری ارزش زیبایی شناسی ندرت قدمت	
		ارزش های هویتی	هویت اجتماعی ملی و محلی هویت سکونتگاه	

۳	ارزش های روز	ارزش علمی آموزشی ارزش گردشگری ارزش اقتصادی ارزش عملکردی ارزش سیاسی	ارزش های روز ارزش هایی هستند که در زمان حال و جامعه امروزی به منبع میراث الحاق میشوند. بهره برداری متناسب با اصول مداخله استوار بر ارزش می تواند شرايطی را در این راستا فراهم آورد که این ارزش ها مورد استفاده و بهره وری قرار بگیرند. ارزش های روز علت حفاظت از منابع میراث نبوده بلکه آنها را می توان ابزارهایی برای عرضه بهتر ارزشهای منابع میراث و حفاظت دانست.
---	--------------	--	---

۳-۲- طراحی شهری حساس به میراث

کلید حفاظت مؤثر از میراث فرهنگی در معرض خطر، برنامه ریزی پیشگیرانه و به هنگام است که نیازمند توجهی یکپارچه به ساختمانها، سازه ها، فضا و بافت ها است (Massue and Schvoerer, 2019: 12). «طراحی شهری حساس به میراث» (Heritage-Sensitive Urban Design) به عنوان یک چارچوب نظری در حال تکوین، در بستر بازآرایی پارادایم های مسلط بر نسبت میان شهر، زمان و مداخله فضایی قابل فهم است. این رویکرد، واکنشی انتقادی به سنت های مداخله گری مدرن و پسامدرن در بافت های تاریخی است؛ سنت هایی که عمدتاً با اتکاء بر منطق تفکیک گرایانه، امر تاریخی را به حوزه های مستقل، قابل تفکیک و کنترل پذیر تقلیل داده اند و بدین ترتیب، پیوستار میان لایه های زمانی شهر را دچار گسست کرده اند. در این چارچوب، میراث شهری از سطح یک «عنصر کالبدی قابل حفاظت» فراتر رفته و به منزله یک «سازوکار چندلایه تولید معنا» شامل لایه های تاریخی، فرهنگی، ادراکی، اجتماعی و عملکردی بازتعریف می شود. این بازتعریف، بنیان گذار گذار از منطق حفاظت ایستا به سمت منطق «تداوم پذیری تطبیقی» (adaptive continuity) است؛ به گونه ای که به جای تثبیت وضعیت موجود، بر ظرفیت بازخوانی، بازتفسیر و انطباق کنترل شده ساختارهای تاریخی در مواجهه با فشارهای توسعه ای تأکید می شود. در همین راستا، ادبیات نهادهای بین المللی نیز به ویژه در اسناد اخیر یونسکو و بانک جهانی، بر گذار از دوگانه حفاظت-توسعه به سمت رویکردهای یکپارچه مبتنی بر هم تکاملی تأکید دارند (UNESCO, 2016; World Bank, 2018).

در امتداد این تحول پارادایمی، دیدگاه های انتقادی در حوزه نظریه میراث، به ویژه در آثار Gustavo Araoz، بر نقد رویکردهای شیء محور و انجمادی در حفاظت تمرکز دارند. از منظر او، پویایی به عنوان ویژگی ذاتی فضاهای تاریخی باید به رسمیت شناخته شود و حفاظت مؤثر زمانی تحقق می یابد که امکان «تعامل دیالکتیکی میان لایه های تاریخی و مداخلات معاصر» فراهم گردد. در این رویکرد، اصالت (authenticity) نه در ثبات مادی، بلکه در استمرار نظام های معنایی، حافظه جمعی و شیوه های زیست فرهنگی بازتعریف می شود؛ امری که موجب انتقال تمرکز از ماده به معنا و از فرم به فرآیند می گردد (Araoz, 2011).

واژه «حساس^۱» در ادبیات طراحی شهری، به عنوان صفتی برای توصیف رویکردی به کار می رود که در آن مداخلات طراحی با دقت، ظرافت و آگاهی نسبت به بستر و زمینه ای خاص انجام می شود. این واژه در ترکیب با مفاهیم مختلف، معانی متنوعی پیدا می کند؛ همچنان که در ادبیات بین المللی اصطلاحاتی چون طراحی شهری حساس به میراث، طراحی شهری حساس به آب، طراحی شهری حساس به پاندی و ... هر یک به حوزه ای مجزا از دانش طراحی شهری و ابعاد کلیدی زمینه طراحی اشاره دارند. امروزه بهره گیری از عبارت حساس به میراث (Heritage-Sensitive) به عنوان یک اصطلاح علمی-دانشگاهی رو به افزایش است. قندهاریون و فقیهی^۲ (۲۰۲۵) در پژوهش خود به بررسی الزامات بازآفرینی بافت های تاریخی با رویکرد حساس به میراث پرداخته است. از ویژگی های این مقاله می توان به توجه و تأکید فراوان به بررسی شاخص های زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و حمل و نقل به طور همزمان اشاره نمود. در فراخوان شماره ویژه مجله KeAi با عنوان «Special Issue on NBS for Historic Urban Landscapes»، از عبارت حساس به میراث به عنوان یکی از محورهای اصلی طرح شده است.

¹ Sensitive

² Ghandehariun and Faghihi (2025)

سویدان و همکاران^۱ (۲۰۲۵) نیز در مقاله خود به رویکرد و عبارت حساس به میراث اشاره کرده اند. ژانگ و همکاران^۲ (۲۰۲۶) در مقاله خود چارچوب حساس به میراث قابل انتقال و یادگیری برای ارزیابی سرزندگی شهری در محوطه‌های تاریخی پیاده‌محور ارائه داده است که نشان می‌دهد که مفهوم طراحی حساس به میراث در تحلیل کیفی فضاهای عمومی و تعاملات اجتماعی در بافت‌های تاریخی نیز کاربرد دارد. سیمن و همکاران^۳ (۲۰۲۶) در پژوهش خود با بهره‌گیری از سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی سه‌بعدی (GIS3D)، رویکردی برای طراحی حساس به میراث در بافت‌های تاریخی ارائه داده که در آن، ارتفاع ساختمان‌ها در رابطه با تداوم تاریخی، یکپارچگی بصری و هویت مکان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد حساس به میراث، با فناوری‌های نوین طراحی و برنامه‌ریزی نیز پیوند دارد.

در حوزه اجرا نیز این عبارت در حال بهره‌گیری و استفاده است به عنوان مثال در سایت شرکت مشاور بین‌المللی Chapman Taylor در معرفی پروژه‌های اجرایی خود از عبارت طراحی حساس به میراث برای توصیف طرح‌های بازآفرینی شهری خود در مراکز تاریخی اروپا استفاده کرده است که در آنها حفظ ارزش‌های میراثی در کنار ایجاد فضاهای انسان‌مدار و جذاب، به عنوان هدف اصلی طراحی دنبال شده است. این شواهد نشان می‌دهد که «حساس به میراث» در پروژه‌های عینی و عملیاتی طراحی شهری، نقشی محوری ایفا می‌کند و صرفاً به سطح سیاست‌گذاری محدود نمی‌شود. همچنین ویلیامسون^۴ در کتاب خود با عنوان «توسعه و طراحی برای سایت‌های حساس به میراث»^۵ از انتشارات Routledge به عنوان یک منبع تخصصی و معتبر به صراحت از اصطلاح حساس به میراث در عنوان و طول مطالعات خود استفاده کرده است. این موارد به عنوان بخش کوچکی از مصادیق نشان می‌دهد که عبارت حساس به میراث در سطوح مختلف علمی، دانشگاهی و حرفه‌ای به‌طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته و در ادبیات تخصصی این حوزه جایگاهی تثبیت شده دارد.

از سویی دیگر رویکردهایی در حیطه مداخله و حفاظت از بافت‌های باارزش و تاریخی نیز وجود دارد که در صدد ایجاد ارتباطی موثر میان الزامات و ضرورت حفاظت از میراث و نیازهای توسعه معاصر برآمده‌اند و هر یک به فراخور زمینه و هدف، بر ابعاد خاصی از این تعامل تأکید دارند. از جمله این رویکردها، می‌توان به «منظر شهری تاریخی»^۶ که توسط یونسکو در سال ۲۰۱۱ به تصویب رسید، «بازآفرینی میراث‌محور»^۷ و «طراحی حساس به زمینه»^۸ اشاره کرد. رویکرد منظر شهری تاریخی، رویکردی یکپارچه برای مدیریت مناظر شهری تاریخی ارائه می‌دهد که فراتر از حفاظت از محیط فیزیکی، بر کل محیط انسانی با تمام کیفیت‌های ملموس و ناملموس آن تمرکز دارد و اهداف حفاظت از میراث شهری را با اهداف توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تلفیق می‌کند. رویکرد بازآفرینی میراث‌محور نیز بر نقش محرک میراث در فرآیندهای بازآفرینی شهری تأکید دارد و تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از ارزش‌های میراثی، توسعه اقتصادی و اجتماعی را در بافت‌های تاریخی هدایت نماید. همچنین، رویکرد طراحی حساس به زمینه که ریشه در جنبش طراحی شهری زمینه‌گرا دارد، بر ضرورت توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد هر زمینه و بستر تأکید می‌کند و درصدد است تا مداخلات طراحی را با ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و فرهنگی مکان هماهنگ سازد. با وجود ارزش‌های علمی و عملی فراوان این رویکردها، هر یک به تنهایی نمی‌توانند پاسخگوی تمامی ابعاد و پیچیدگی‌های مداخله در بافت‌های تاریخی باشند، چراکه رویکرد منظر شهری تاریخی بیشتر به سطح سیاست‌گذاری و مدیریت کلان می‌پردازد و از ابزارهای عینی برای سنجش حساسیت مداخلات در مقیاس طراحی شهری بی‌بهره است. رویکرد بازآفرینی میراث‌محور نیز

¹ Soydan and etal (2025)

² Zhang and etal (2026)

³ Seymen and etal (2026)

⁴ Kenneth Williamson

⁵ Development and Design of Heritage Sensitive Sites

⁶ Historic Urban Landscape - HUL

⁷ Heritage-Led Regeneration

⁸ Context-Sensitive Design

عمدتاً بر جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی بازآفرینی متمرکز است و کمتر به کیفیت‌های کالبدی و ادراکی طراحی در سطوح خرد می‌پردازد. رویکرد طراحی حساس به زمینه نیز اگرچه بر ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر مکان تأکید دارد و بیشتر بر ابعاد کلی زمینه (شامل اقلیم، توپوگرافی، کاربری، بافت کالبدی) متمرکز است.

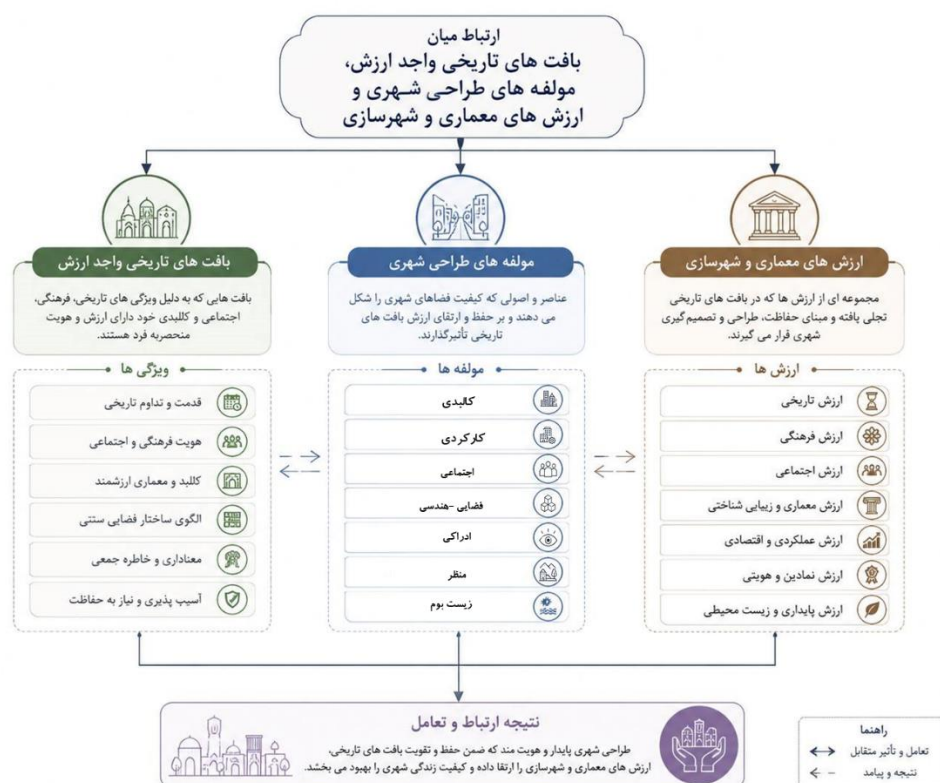
جدول ۲- جدول تطبیقی جایگاه طراحی شهری حساس به میراث در میان رویکردهای نظری مرتبط

رویکرد معیار بررسی	منظر شهری تاریخی	بازآفرینی میراث محور	طراحی حساس به زمینه	طراحی شهری حساس به میراث
تعریف	رویکردی یکپارچه برای مدیریت مناظر شهری تاریخی که فراتر از حفاظت از بناهای منفرد، بر کل محیط انسانی با تمام لایه‌های ملموس و ناملموس تمرکز دارد.	رویکردی که از میراث به عنوان موتور محرک توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بافت‌های تاریخی استفاده می‌کند و بر نقش میراث در بازآفرینی شهری تأکید دارد.	رویکردی که بر تطابق طراحی با ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر مکان (شامل اقلیم، توپوگرافی، بافت کالبدی، کاربری و مسائل اجتماعی) تأکید دارد و درصدد است تا مداخلات را با زمینه هماهنگ سازد.	رویکردی تلفیقی و عملیاتی که با یکپارچه‌سازی مبانی نظری سه رویکرد مذکور، به سنجش و ارتقاء میزان حساسیت مداخلات طراحی شهری در بافت‌های تاریخی در سه مقیاس بنا، فضای شهری و بافت شهری می‌پردازد.
حوزه تمرکز اصلی	مدیریت کلان منظر شهری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی راهبردی	بازآفرینی اقتصادی-اجتماعی و توسعه پایدار بافت‌های تاریخی	هماهنگی طراحی با کلیت زمینه (فیزیکی، اقلیمی، اجتماعی)	سنجش و ارتقاء حساسیت مداخلات طراحی شهری در بافت‌های تاریخی با تأکید بر کیفیات و سنجه‌های طراحی شهری
سطح مداخله	سطح کلان: سیاست‌گذاری، قوانین و مقررات، برنامه‌ریزی راهبردی	سطح میانه و کلان: برنامه‌ریزی راهبردی، طرح‌های توسعه محلی، پروژه‌های بازآفرینی	سطح خرد تا کلان: از طراحی جزئیات تا برنامه‌ریزی کلان	تفکیک شده در سه سطح: خرد (بنا، میانه (فضای شهری) و کلان (بافت شهری))
نقش میراث در رویکرد	میراث به عنوان بستر و زمینه اصلی تصمیم‌گیری	میراث به عنوان منبع ارزش و محرک توسعه	میراث به عنوان یکی از ابعاد زمینه در کنار سایر ابعاد	میراث به عنوان محور اصلی و پایه تصمیم‌گیری در طراحی
کاربست عملیاتی	ارائه چارچوب‌های سیاستی و مدیریتی	طراحی پروژه‌های بازآفرینی با محوریت میراث (مانند پروژه‌های شهرهای تاریخی اروپا)	طراحی جاده‌ها، خیابان‌ها و پروژه‌های عمرانی با رویکرد زمینه‌گرا	ارائه مدل مفهومی و چارچوب ارزیابی برای سنجش حساسیت طراحی شهری در بافت‌های تاریخی

در این میان، پژوهش حاضر با ارائه مفهوم «طراحی شهری حساس به میراث»، در صدد است تا با یکپارچه‌سازی نقاط قوت این رویکردها و عملیاتی‌سازی آنها در قالب یک مدل مفهومی و چارچوب ارزیابی، خلأ موجود در ادبیات موضوع را پر نماید. «طراحی شهری حساس به میراث» سعی بر برقراری پیوندی عمیق میان حوزه طراحی شهری، مداخله در بافت‌های تاریخی و ارزش‌شناسی برپایه میزان حساسیت مداخلات در سه مقیاس بنا، فضای شهری و بافت شهری دارد. بدین ترتیب، پژوهش حاضر نه تنها در چارچوب یکی از رویکردهای نظری شناخته‌شده قرار دارد، بلکه با ارائه مدلی جامع و عملیاتی، گامی مؤثر در جهت نظام‌مندسازی دانش طراحی در بافت‌های تاریخی و ایجاد پلی میان نظریه حفاظت و عمل طراحی شهری با تأکید بر کیفیت‌ها و سنجه‌های طراحی شهری معاصر برداشته و در صدد نظریه‌سازی عمیق‌تر در این حیطه است.

مقیاس در طراحی شهری براساس ویژگی‌های ارزشی و میراثی متفاوت است: می‌تواند محدود به یک منبع یا سازه میراثی منفرد، یک مجموعه کوچک از ساختمان‌ها یا یک نمای خیابانی خاص باشد، اما همچنین می‌تواند یک محله، روستا یا شهر کامل، یا حتی یک منظر فرهنگی وسیع‌تر را در بر گیرد (CCT, 2025: 4-5). در مجموع با توجه به مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته «طراحی شهری حساس به میراث» حاصل هم‌گرایی سه مؤلفه کلیدی است: نخست، «ارزش‌های معماری و شهرسازی» که مبنای شناسایی و تداوم عناصر واجد اهمیت تاریخی و هویتی را فراهم می‌کند؛ دوم، «مؤلفه‌های طراحی شهری» که این ارزش‌ها را به اصول و راهبردهای مداخله فضایی در مقیاس‌های مختلف ترجمه می‌نماید؛ و

سوم، «بافت‌های تاریخی واجد ارزش» که به‌عنوان بستر عینی و چندلایه، امکان تحقق این تعامل را فراهم می‌سازند. از این‌رو، این رویکرد در پیوند این سه حوزه شکل گرفته و میراث را نه یک داده ثابت، بلکه بستری زنده برای هدایت مداخله‌های معاصر در شهر می‌فهمد. این سه‌گانه (ارزش‌های معماری و شهرسازی، طراحی شهری، بافت تاریخی) در واقع اضلاع مثلثی هستند که طراحی شهری حساس به میراث را به عنوان رویکردی میان‌رشته‌ای و زمینه‌گرا تعریف می‌کنند و برهم‌کنش آنها، امکان شکل‌گیری مداخلاتی را فراهم می‌آورد که نه تنها از اصالت کالبدی بافت‌های تاریخی نمی‌کاهد، بلکه به تقویت و بازآفرینی معانی نهفته در آنها نیز یاری می‌رساند. در شکل زیر این مهم و ارتباطات آن به صورت دیاگرام طرح مسئله و تعاملی ارائه شده است.



شکل ۲- محوره‌های کلیدی در طراحی شهری حساس به میراث، مأخذ: نگارندگان.

بافت‌های تاریخی واجد ارزش‌های میراثی، به‌عنوان بخشی از ساختار هویتی و لایه‌مند شهر، در مواجهه با تحولات معاصر شهری با مجموعه‌ای از مسائل و ناپایداری‌های چندبعدی روبه‌رو هستند. این مسائل صرفاً به **فرسودگی کالبدی** محدود نبوده، بلکه در سطوح مختلف **فضایی، ادراکی، عملکردی، اجتماعی و محیطی** نیز قابل مشاهده‌اند. تداوم مداخلات ناهماهنگ، تغییر الگوهای توسعه شهری و دگرگونی شیوه‌های زیست، به‌تدریج موجب تضعیف انسجام تاریخی، کاهش خوانایی محیطی و افت کیفیت زیست‌پذیری این بافت‌ها شده است. از این‌رو، شناخت نظام‌مند این چالش‌ها، به‌عنوان پیش‌نیاز اساسی در چارچوب طراحی شهری حساس به میراث، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چالش‌هایی که در ادامه به‌صورت تفکیک‌شده مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این راستا سعی شد با بهره‌گیری از ابعاد طراحی شهری ارائه شده توسط متیو کرمونا^۱ (۱۳۹۴) بررسی صورت گیرد.

ساختار کالبدی بافت‌های تاریخی، هرچند واجد ارزش‌های زیبایی‌شناسی، فرهنگی و اقلیمی است، اما از منظر سازه‌ای و عملکردی، با فرسودگی شدید مواجه‌اند. بناهای خشتی یا مصالح سنتی در معرض تخریب تدریجی، آسیب‌پذیری بالا در برابر

¹Matthew Carmona

زلزله و سایر مخاطرات طبیعی، و همچنین عدم انطباق با استانداردهای بهداشتی، ترافیکی و خدماتی روز، شرایطی را رقم زده‌اند که امکان زیست‌پذیری را کاهش می‌دهد. افزون بر آن، پیچیدگی ساختار فضایی، معابر باریک، عدم امکان دسترسی سواره و نبود فضاهای باز عمومی، به بحران عملکردی این بافت‌ها دامن زده است. از سویی دیگر اشاره به این مهم نیز ضروری است، آسیب‌های بافت‌های تاریخی و واجد ارزش فقط در یک محوریت و مولفه نیست بلکه هر آسیب خود برگرفته از آسیب‌های بخش‌های مختلف بوده و ریشه‌های عمیق تری دارد (کلانتری، ۱۴۰۱: ۲۶-۲۵).

بافت‌های تاریخی از منظر ریخت‌شناختی واجد یک منطق تدریجی و تاریخی در شکل‌گیری فرم شهری هستند، اما در گذر زمان این منطق با نوعی گسست و ناپیوستگی مواجه شده است. تغییرات تدریجی در الگوی قطعه‌بندی، الحاقات پراکنده و استقرار بناهای ناهم‌ساز با ساختار اولیه، موجب تضعیف انسجام ریختی و اختلال در تداوم فرم شهری گردیده است. در نتیجه، رابطه تاریخی میان توده، فضا و مقیاس، که پیش‌تر در قالب یک نظام منسجم شکل گرفته بود، به ساختاری ناهمگن و فاقد انسجام درونی تبدیل شده است. بافت‌های تاریخی در ذات خود واجد تنوعی از فعالیت‌های خرد، روزمره و درون‌زا هستند که به تدریج در پیوندی ارگانیک با ساختار فضایی شکل گرفته‌اند، اما این پیوستار عملکردی در روند تحولات معاصر با نوعی اختلال و ناپایداری مواجه شده است. تغییر الگوی سکونت و فعالیت، جایگزینی تدریجی کاربری‌های بومی با کاربری‌های ناهم‌خوان یا تک‌منظوره، و غلبه منطق‌های اقتصادی بیرونی بر منطق درونی تولید فضا، موجب کاهش تنوع عملکردی و تضعیف حیات فعال در بافت گردیده است. در نتیجه، ساختار عملکردی که پیش‌تر بر پایه هم‌زیستی فعالیت‌های مکمل و روزمره استوار بوده، به سمت یکنواختی، گسست کارکردی و در برخی موارد تبدیل به فضایی مصرفی و کم‌پویایی سوق یافته است.

بافت‌های تاریخی در گذشته بر اساس الگوی حرکت پیاده‌محور و شبکه معابر ارگانیک شکل گرفته‌اند، اما در روند تحولات معاصر، این نظام حرکتی با نوعی اختلال ساختاری مواجه شده است. محدودیت عرض معابر، عدم انطباق زیرساخت‌های حرکتی با نیازهای جدید و غلبه تدریجی حرکت سواره، موجب کاهش نفوذپذیری و اختلال در پیوستار حرکتی بافت گردیده است. در نتیجه، کارایی شبکه دسترسی کاهش یافته و تجربه حرکت در درون بافت با گسست و ناپیوستگی همراه شده است. بافت‌های تاریخی از منظر بصری واجد انسجام در بدنه‌ها، تناسبات و کیفیت‌های دیداری هستند، اما در گذر زمان این انسجام با نوعی آشفتگی تدریجی مواجه شده است. ورود عناصر بصری ناهمگون، ناهماهنگی در جداره‌های شهری، تغییر در خط آسمان و کاهش خوانایی عناصر شاخص، موجب اختلال در انسجام منظر شهری شده است. در نتیجه، کلیت بصری بافت از یک ساختار منسجم و خوانا، به تصویری چندپاره و فاقد وحدت ادراکی تبدیل گردیده است. بافت‌های تاریخی واجد ظرفیت شکل‌دهی به تجربه‌ای لایه‌مند، تدریجی و مبتنی بر حافظه جمعی هستند؛ با این حال، در سیر تحولات زمانی، این ظرفیت با نوعی فرسایش در نظام ادراک فضایی مواجه شده است. کاهش تدریجی وضوح نشانه‌های هویتی، تضعیف نظام سلسله‌مراتب فضایی و ورود عناصر کالبدی ناهماهنگ، موجب اختلال در فرآیند خوانش پیوسته و معنادار فضا گردیده است. در چنین شرایطی، ادراک محیط از یک تجربه تاریخی-زمینه‌مند که بر تداوم معنا استوار بوده، به تجربه‌ای قطعه‌قطعه، کم‌عمق و فاقد انسجام تفسیری تبدیل شده و پیوند میان فضا، زمان و حافظه جمعی به تدریج تضعیف شده است.

بافت‌های تاریخی عمدتاً با فرایند «ناهمگونی اجتماعی» مواجه‌اند؛ به گونه‌ای که ترکیب جمعیتی اولیه آن‌ها به مرور تضعیف شده و جای خود را به اقشار کم‌برخوردار، مهاجر یا ساکنان موقتی داده است. تضعیف سرمایه اجتماعی، فروپاشی شبکه‌های همسایگی سنتی، کاهش حس تعلق مکانی و گسست نسلی در انتقال الگوهای زیستی سنتی، از جمله مهم‌ترین چالش‌هایی هستند که کارکرد اجتماعی این بافت‌ها را دچار اختلال کرده‌اند. در چنین شرایطی، مشارکت ساکنان در فرآیندهای ارتقا یا احیا نیز به شدت کاهش یافته و شکل‌گیری مداخلات معنادار دشوار شده است. بافت‌های تاریخی غالباً فاقد نظام مدیریت زیست‌محیطی کارآمد هستند. عدم وجود فضای سبز، دفع غیربهداشتی فاضلاب، مصرف انرژی نامتناسب با نیازهای اقلیمی معاصر، و تخریب عناصر طبیعی درون‌بافتی (همچون باغات یا آب‌راه‌ها) از جمله مسائلی‌اند که موجب تضعیف تاب‌آوری زیست‌محیطی این مناطق

شده‌اند. گرچه در گذشته، معماری بومی و سنتی این بافت‌ها متناسب با اقلیم شکل گرفته‌اند، اما عدم روزآمدسازی سیستم‌های زیربنایی و بهره‌برداری نادرست، ظرفیت‌های اکولوژیک آن‌ها را دچار نقصان کرده است. در جدول زیر این مسائل و چالش‌ها جمع بندی شده است.

جدول ۳- مسائل و چالش‌های موجود در بافت‌های تاریخی براساس ابعاد طراحی شهری

ابعاد طراحی شهری	مسائل و چالش‌ها
کالبدی	گسست در پیوستار کالبدی- فضایی، تضعیف انسجام ساختاری بافت، فروپاشی ارتباطات درون‌بافتی، اختلال در نظم فضایی، ناهماهنگی میان توده و فضا، مداخلات کالبدی نامتجانس، توسعه‌های ناپیوسته، فرسایش تدریجی ساختار تاریخی، کاهش خوانایی فضایی، تضعیف یکپارچگی تاریخی- فضایی
ریخت‌شناختی	اختلال در تداوم تاریخی فرم شهری، تغییرات نامتوازن در نظام قطعه‌بندی، ناهماهنگی در مقیاس و تناسبات حجمی، استقرار فرم‌های ساختمانی ناسازگار، گسست رابطه میان فرم و ساختار فضایی، فروپاشی تداوم شکلی بافت، ناهمگنی کالبدی، اختلال در منطق سازمان‌یابی فضایی
کارکردی	ناپایداری در نظام فعالیتی، اختلال در توازن عملکردی، حذف تدریجی فعالیت‌های بومی، استقرار کاربری‌های ناسازگار، غلبه عملکردهای تک‌منظوره، کاهش تنوع فعالیتی، تضعیف پویایی حیات شهری
دسترسی	تعارض میان ساختار تاریخی معابر و الگوهای معاصر جابه‌جایی، غلبه الگوی سواره‌محور، فشار ناشی از تردد مکانیزه، اختلال در پیوستار شبکه حرکت، تضعیف ساختار پیاده‌محور و پیاده‌مداری، افت خوانایی مسیرها، گسست در تداوم حرکتی، ناکارآمدی زیرساخت‌های حرکتی
بصری	اغتشاش بصری، ناهماهنگی نماها، اختلال در خط آسمان شهری، الحاقات نامتجانس، گسست در تداوم بصری، تضعیف کریدورهای بصری، مخدوش‌شدن محورهای دید، کاهش تسلط عناصر شاخص تاریخی، افت انسجام دیداری، تضعیف ادراک هویت بصری بافت، انسداد بصری نسبت به عناصر شاخص
ادراکی	تضعیف خوانایی تاریخی، اختلال در نظام ادراک فضایی، کاهش وضوح نشانه‌های تاریخی، برهم‌خوردن سلسله‌مراتب فضایی، تضعیف مرزهای ادراکی، فرسایش حافظه جمعی؛ تضعیف حس تعلق مکانی، گسست پیوند ذهنی میان انسان و مکان
اجتماعی	فرسایش سرمایه اجتماعی، تضعیف شبکه‌های همسایگی، خروج ساکنان بومی، کاهش ثبات سکونت، تغییر ترکیب جمعیتی، کاهش انسجام اجتماعی، اختلال در تداوم حیات فرهنگی، افت توان اقتصادی ساکنان، کاهش ظرفیت‌های معیشتی، نابرابری در بهره‌مندی از امکانات شهری، کاهش مشارکت اجتماعی در فرایندهای حفاظت و احیا
زیست‌محیطی	کاهش تاب‌آوری اکولوژیک، تراکم نامتوازن، ناکارآمدی زیرساخت‌های محیطی، کاهش تهویه طبیعی، کمبود فضاهای باز، افت کیفیت زیست‌پذیری، ناسازگاری مداخلات جدید با ویژگی‌های اقلیمی بافت، افزایش آسیب‌پذیری در برابر تنش‌های اقلیمی، تضعیف ظرفیت انطباق‌پذیری محیطی، جزایر حرارتی ناشی از ساخت وسازهای بلندمرتبه

۴- بحث و یافته‌های پژوهش

«طراحی» مفهومی بسیار گسترده است و این گستردگی در سطوح مختلف گسترش می‌یابد. در رابطه با یک ساختمان، ملاحظات طراحی شامل جانمایی آن در قطعه زمین، فرم، چیدمان فضاهای داخلی، یکپارچگی سازه‌ای، مصالح ساخت و ... است. در رابطه با یک شهر، ملاحظات طراحی موضوعات گسترده‌تری مانند فرم شهری، چیدمان‌های فضایی، جابجایی، کاربری، مقیاس، توده‌گذاری و تأثیر بر سیمای شهر و شخصیت محلی را در بر می‌گیرد. در رابطه با طراحی فضای شهری، معماری منظر ملاحظات بیشتری از جمله سطوح سخت، گیاهان و آب را پوشش می‌دهد. همچنین طراحی راه‌ها نیز می‌تواند تأثیر عظیمی بر طراحی فضای بیرونی و زمینه‌های ساختمان‌های تاریخی داشته باشد (Lewis, 2022: 1).

از سویی دیگر بررسی اصول طراحی شهری نشان می‌دهد که بسیاری از کیفیت‌ها و شیوه‌های سنجش و مداخله در مقیاس‌های مختلف، نموده‌ها و مصادیق مختلفی را می‌تواند به منصفه ظهور برساند. به عنوان مثال توجه به معیار شخصیت و کاراکتر و نموده‌های آن در مقیاس محله با مقیاس منطقه شهری متفاوت است و انتخاب صحیح مداخلات در تناسب با مقیاس می‌تواند

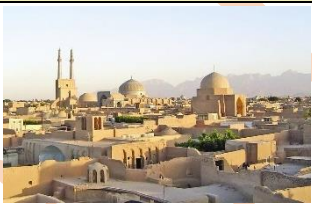
منجر به خلق مکان هایی شود که به راحتی قابل تشخیص باشند، و در حالی که بخشی از کل شهر هستند، از طریق نشانه ها و یا خیابان های قابل تشخیص، هویت خاص خود را داشته باشند (GCC, 2023: 11).

طراحی شهری حساس به میراث، به واسطه ماهیت چندلایه و درهم تنیده نظام های شهری، ناگزیر از مواجهه ای چندمقیاسی با پدیده میراث است. میراث شهری صرفاً در یک سطح منفرد از سازمان فضایی قابل تعریف یا حفاظت نیست، بلکه در بستر هم زمانی لایه های کالبدی، فضایی، عملکردی، اجتماعی و ادراکی شکل گرفته و تداوم می یابد. به همین دلیل، هرگونه مداخله در این حوزه، در صورت محدود شدن به یک مقیاس واحد، قادر به درک کامل روابط علی و اثرات متقابل میان اجزای سازنده شهر تاریخی نخواهد بود. در واقع، ماهیت لایه مند و پیوسته بافت های تاریخی ایجاب می کند که تحلیل و طراحی در سطوح مختلفی از جزئیات کالبدی تا ساختار کلان شهری انجام گیرد؛ زیرا آنچه در یک مقیاس به عنوان تغییر یا مداخله رخ می دهد، در مقیاس های دیگر نیز بازتاب یافته و می تواند منجر به تقویت یا تضعیف انسجام کلی نظام شهری شود. از این منظر، رویکرد چندمقیاسی نه یک انتخاب روش شناختی، بلکه یک ضرورت تحلیلی برای فهم دقیق تر پیچیدگی های میراث شهری محسوب می شود. بر این اساس، در ادامه، طراحی شهری حساس به میراث در سه مقیاس بنا، فضای شهری و بافت شهری مورد بررسی قرار می گیرد تا امکان تبیین دقیق تر نوع مداخله و سطح اثرگذاری در هر لایه از سازمان فضایی شهر فراهم شود.

۴-۱- طراحی شهری حساس به میراث در مقیاس بنا

در مقیاس بنا، طراحی شهری حساس به میراث در پیوند مستقیم با ساختار خردمقیاس بافت های تاریخی و الگوهای تثبیت شده همسایگی شکل می گیرد؛ جایی که کالبد منفرد نه به عنوان یک واحد مستقل، بلکه به مثابه بخشی از یک نظام پیوسته از روابط فضایی، اجتماعی و ادراکی عمل می کند. در این سطح، منطق شکل گیری تاریخی بافت در قالب الگوهای توده-فضا، نظام قطعه بندی، سطوح تراکم، و قواعد نانوشته استقرار بناها قابل شناسایی است. بنابراین، حساسیت به میراث در این مقیاس به معنای میزان انطباق مداخله جدید با این منطق نهفته و تاریخی، و جلوگیری از گسست در پیوستار کالبدی-فضایی و الگوهای زیست روزمره است.

جدول ۴- معیارهای طراحی شهری حساس به میراث در مقیاس بنا

معیار	شاخص	شیوه های ارزیابی	مصادیق و شواهد تصویری
الگوهای معماری	زبان معماری و منطق زمینه	میزان تداوم با کدهای معماری بومی (مصالح، تناسبات، ریتم)، پرهیز از گسست سبکی و نشانه ای، انطباق با حافظه کالبدی مکان	
عرصه و عیان	نسبت عرصه و سطح اشغال	تعادل میان عرصه (زمین آزاد/حیاط/فضای باز خصوصی) و اعیان (سطح ساخته شده)، حفظ الگوی تاریخی استقرار بنا، جلوگیری از اشباع یا کاهش فضای باز خردمقیاس	
تراکم	میزان فشردگی کالبدی	انطباق با ظرفیت تاریخی، جلوگیری از بارگذاری بیش از ظرفیت زیست پذیر	

	تداوم هندسه قطعات، پرهیز از تجمع یا تفکیک مخرب	الگوی قطعه بندی تاریخی	فرم قطعات
	شناسایی و حفظ حریم درجه ۱ (حریم حفاظتی مستقیم و غیرقابل مداخله)، حریم درجه ۲ (حریم بصری-کالبدی با کنترل ارتفاع، حجم و فرم)، و حریم عملکردی (کنترل نوع کاربری و فعالیت های مجاز در پیرامون اثر)؛ جلوگیری از هرگونه مداخله ای که موجب تضعیف خوانایی، اصالت یا یکپارچگی اثر ثبت شده شود	ساختار و طبقه بندی حریم ها	حریم های فضایی
	انطباق با خط ساخت، احترام به عقب نشینی های تاریخی، حفظ الگوی جانمایی نسبت به گذر و همسایگی	منطق جانمایی در قطعه	نحوه استقرار بنا
	حفظ مقیاس انسانی جداره ها، جلوگیری از سلطه حجمی، تقویت تداوم جداره سازی تاریخی	تعامل کالبدی با پیرامون	روابط همجواری
	میزان قابل تشخیص بودن عملکرد فضاها از طریق فرم، بازشوها، سازمان دهی حجمی و نشانه های کالبدی بدون نیاز به ورود به بنا	انطباق فرم و کارکرد	خوانایی عملکردی بنا
	انطباق با زیست خانواده محور و تداوم زندگی روزمره	الگوی سکونت زمینه مند	کیفیت زیست خانوادگی
	کنترل اشراف به حریم های خصوصی، حفظ تعادل دید درون قطعه ای، جلوگیری از سلطه بصری در همجواری	کنترل دید در مقیاس همسایگی	اشرافیت

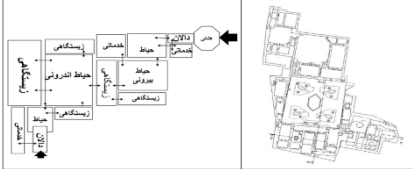
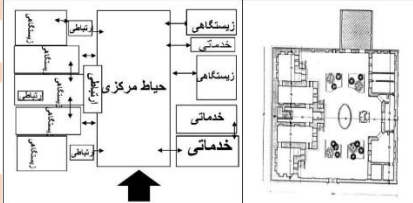
در این سطح، تمرکز بر خردترین عنصر سازنده شهر یعنی تک ساختمان های دارای ارزش است. مداخلات در این سطح عمدتاً بر جزئیات کالبدی، مصالح، ریخت شناسی، نما، الحاقات و اصالت جوهری متمرکز است. شاخص های کلیدی این سطح شامل مواردی نظیر: زبان معماری و منطق زمینه، نسبت عرصه و سطح اشغال، میزان فشردگی کالبدی، الگوی قطعه بندی تاریخی،

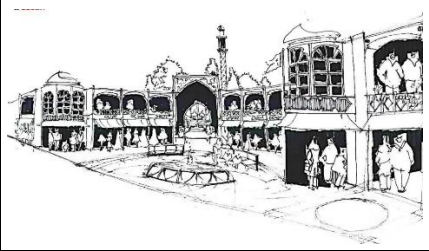
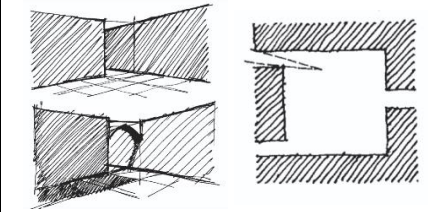
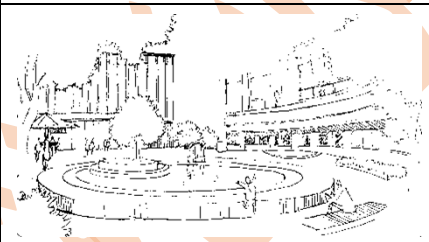
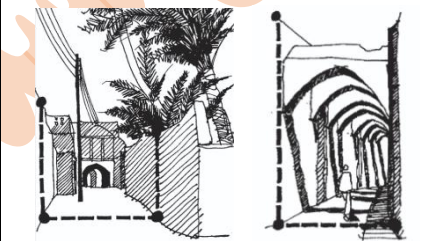
ساختار و طبقه‌بندی حریم‌ها، منطق جانمایی در قطعه، تعامل کالبدی با پیرامون، انطباق فرم و کارکرد، الگوی سکونت زمینه‌مند و کنترل دید در مقیاس همسایگی می‌باشد. در این سطح، معمار و مرمت‌گر نقش اصلی را ایفا می‌کنند و ابزارهای ارزیابی شامل تحلیل نما و جداره، مدل‌سازی سه‌بعدی، مطالعات جوهری، تحلیل لایه‌های تاریخی و بررسی تطبیقی بناهای شاخص است. این سطح، بنیادی‌ترین سطح مداخله است؛ چراکه کیفیت و اصالت هر بنا، به‌عنوان یک «عضو سازنده» بر کیفیت فضای شهری و در نهایت بر هویت و ساختار بافت شهری تأثیر مستقیم می‌گذارد.

۴-۲- طراحی شهری حساس به میراث در مقیاس فضای شهری

مکان‌ها و محوطه‌های میراثی خاصه **فضاهای شهری واجد ارزش**، می‌توانند تأثیر عظیمی بر کیفیت و تجربه محیط‌های ساخته شده و همچنین بر سلامت و رفاه جوامع داشته باشند. این فضاهای شهری واجد ارزش که در بسترهای فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، سیاسی، اقتصادی و فیزیکی خود شکل گرفته‌اند، پیوندهای معناداری با گذشته برقرار می‌کنند و نقشی اساسی در آینده شهرها، شهرک‌ها و محیط‌های روستایی ایفا می‌نمایند (Faulkner and Davies, 2020: 12). در مقیاس فضای شهری، طراحی شهری حساس به میراث معطوف به کیفیت سازمان‌دهی فضاهای بینابینی و معابر شهری است؛ جایی که تجربه زیست شهری، ادراک محیطی و الگوهای تعامل اجتماعی در بستر فضاهای عمومی و نیمه‌عمومی شکل می‌گیرد. در این سطح، فضا صرفاً یک بستر حرکتی نیست، بلکه یک ساختار ادراکی-اجتماعی است که بر پایه مفاهیمی همچون حریمیت، درون‌گرایی، انسان‌محوری، ارزش‌های انسانی، خدامحوری و سرزندگی محیطی سازمان می‌یابد. بر این اساس، تحلیل این مقیاس نیازمند شناسایی الگوهای حریم‌گذاری، نحوه سازمان‌دهی حرکت، کیفیت‌های ادراکی-بصری و میزان انطباق فضا با ارزش‌های انسانی و زیست‌پذیری است. در ادامه، این مؤلفه‌ها در قالب مجموعه‌ای از متغیرها و معیارهای طراحی شهری حساس به میراث ارائه می‌شوند.

جدول ۵- معیارهای طراحی شهری حساس به میراث در مقیاس فضای شهری

معیار	شاخص	شیوه‌های ارزیابی	مصادیق و شواهد تصویری
حریمیت فضایی	سلسله‌مراتب دید و دسترسی	کنترل تدریجی ورود، حفظ حریم‌های بصری و فضایی، جلوگیری از اشراف ناگهانی به فضاهای خصوصی	
درون‌گرایی فضایی	سازمان‌دهی فضا به سمت درون	تقویت فضاهای نیمه‌محصور، کاهش گشودگی ناهمخوان، حفظ ساختار حیاط‌محور و کوی‌محور	
انسان‌محوری	مقیاس تجربه انسانی فضا	تناسب ابعاد معبر با مقیاس انسانی، اولویت حرکت پیاده، کاهش سلطه سواره	

	کرامت انسانی (عدم سلطه کالبدی و بصری)، امنیت ادراکی و روانی، حس تعلق مکانی، عدالت فضایی در دسترسی، امکان حضورپذیری و مکث، کیفیت تعاملات اجتماعی	پویایی تعاملات اجتماعی و حضور پذیری	ارزش‌های انسانی
	حضور عناصر معنایی (مسجد، گذرهای آیینی، نشانه‌های مذهبی)، تقویت بعد قدسی در ادراک فضا	کیفیت ادراک معنوی فضا	خدایموری
	تنوع کارکردی و اختلاط فعالیتی، تداوم حضورپذیری در بازه‌های زمانی مختلف، فعالیت پذیری و نفوذپذیری لبه‌های فضایی	پویایی عملکردی فضا	سرزندگی محیطی
	حفظ پیچیدگی فضایی، شکست‌های حرکتی کنترل‌شده، تداوم شبکه ارگانیک معابر	ساختار فضایی گذرها	الگوی معابر تاریخی
	محدودیت کاربری‌های مزاحم، تفکیک فعالیت‌های ناسازگار با بافت تاریخی	کنترل فعالیت‌های ناسازگار	حریم کاربری‌ها
	حفاظت از طبیعت (درختان، باغچه‌ها، آبراهه‌ها) و جلوگیری از حذف یا اشغال آن‌ها	حفاظت از عناصر سبز و آبی	حریم عناصر طبیعی
	اولویت پیاده‌مداری، کنترل نفوذ سواره، ایجاد پیوستار حرکتی خوانا و امن	الگوی دسترسی و نفوذپذیری	بیکره‌بندی حرکتی

در این سطح، تمرکز بر فضاهای باز عمومی، نیمه‌عمومی و عرصه‌های تعاملات اجتماعی درون بافت‌های تاریخی است. مداخلات در این سطح بر کیفیت فضاهای باز عمومی، جداره‌های فعال، نفوذپذیری بصری، مقیاس انسانی، مبلمان شهری، خوانایی و تعاملات اجتماعی متمرکز است. شاخص‌های کلیدی این سطح شامل: سلسله‌مراتب دید و دسترسی، سازمان‌دهی فضا به سمت

درون، مقیاس تجربه انسانی فضا، پویایی تعاملات اجتماعی و حضور پذیری، کیفیت ادراک معنوی فضا، پویایی عملکردی فضا، ساختار فضایی گذرها، کنترل فعالیت های ناسازگار، حفاظت از عناصر سبز و آبی و الگوی دسترسی و نفوذپذیری می باشد. در این سطح، طراح شهری نقش اصلی را ایفا می کنند و ابزارهای ارزیابی شامل پیمایش میدانی، تحلیل نحو فضا، پرسشنامه از کاربران و ذی نفعان، مشاهده مشارکتی، تحلیل فعالیت های روزمره و بررسی کیفیت جداره ها است. فضای شهری، به عنوان رابط و واسطه میان بناها و بافت شهری، بستر اصلی حیات مدنی و تعاملات اجتماعی محسوب می شود و کیفیت آن، تأثیر مستقیمی بر ادراک ساکنان و کاربران از میراث و هویت مکان دارد.

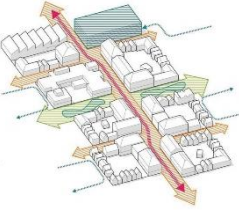
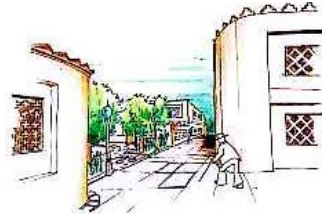
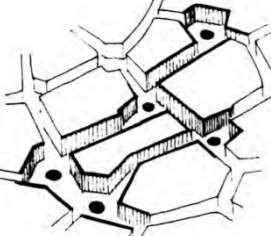
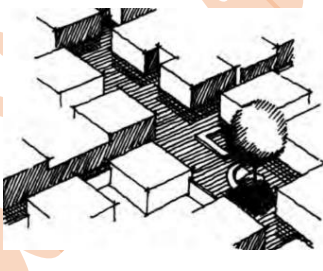
۴-۳- طراحی شهری حساس به میراث در مقیاس بافت شهری

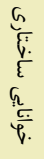
بافت تاریخی شهرها بازتاب کننده فرهنگ تاریخ و هویت جمعی هستند و سرمایه های بالقوه و نهفته ای به منظور جذب گردشگران و بهره مندی های فرهنگی و بازنمایی ارزش های فراموش شده بومی در ارتقا معماری معاصر محسوب می شوند (باقری و کلانتری، ۱۴۰۲: ۲). بافت های واجد ارزش مشتمل بر ساختمان و محوطه های ارزشمندی است که کیفیت های متعددی را در بستر خود نمایان می سازند. مقیاس انسانی، محصوریت مطلوب، الگوی چیدمان و دانه بندی کارآمد، فرم قطعات، رعایت ارتفاع و تناسبات در بافت و ارتباط موثر فضا و توده از جمله ویژگی ها و ارزش های بافت های شهری دارای میراث است. طراحی شهری و مداخله جدید در بافت های شهری دارای میراث باید با مقیاس و دانه بندی غالب زمینه ارتباط پیدا کند و به ارتفاع، حجم، تراکم و دانه بندی بافت میراثی احترام بگذارد (Faulkner and Davies, 2020: 24-25).

در مقیاس بافت شهری، طراحی شهری حساس به میراث معطوف به تداوم الگوهای بومی و تاریخی در سازمان فضایی شهر و حفظ پیوستگی ساختار زمینه ای بافت است. در این سطح، بافت تاریخی صرفاً مجموعه ای از عناصر منفرد نیست، بلکه حاصل انباشت تدریجی الگوهایی است که در قالب سازمان فضایی، نحوه استقرار کاربری ها، شبکه معابر و رابطه میان فضاهای باز و ساخته شده شکل گرفته اند. الگوهایی با اصالت همچون باغ، خانه باغ، کوچه باغ و سایر ساختارهای ریشه دار شهری، بخشی از منطق تاریخی و هویتی شهر را بازنمایی می کنند و درک آن ها در مواجهه با مداخلات معاصر اهمیت اساسی دارد. از سوی دیگر، مفهوم حریم در این مقیاس تنها به پیرامون یک اثر محدود نبوده، بلکه در قالب مرزهای عملکردی، فضایی و ادراکی در سطح بافت معنا می یابد. از این منظر، طراحی شهری حساس به میراث در مقیاس بافت، بر حفظ تداوم این الگوهای زمینه ای، تقویت عدالت فضایی در توزیع کاربری ها و دسترسی ها، و جلوگیری از گسست در ساختار تاریخی شهر تأکید دارد.

جدول ۶- معیارهای طراحی شهری حساس به میراث در مقیاس بافت شهری

معیار	شاخص	شیوه های ارزیابی	مصادیق و شواهد تصویری
توزیع عادلانه فضاهای خدمات	توزیع عادلانه فضاهای خدمات	تعال در توزیع کاربری ها، دسترسی برابر به خدمات شهری، جلوگیری از تمرکز یا محرومیت فضایی	

عدالت دسترسی	توازن دسترسی در شبکه فضایی	توزیع متعادل دسترسی به معابر و فضاهای شهری، پیوستگی شبکه حرکتی، خوانایی مسیرها، عدم تمرکز دسترسی در بخش‌های خاص بافت	
الگوی بومی	تداوم منطق شکل‌گیری تاریخی	حفظ الگوهای زمینه‌ای (کوی‌ها، گذرها، فضاهای میان‌مقیاس)، پرهیز از گسست ساختاری	
انسجام زمینه‌ای	یکپارچگی ساختار بافت	تداوم روابط میان قطعات، معابر و فضاها، جلوگیری از تکه‌تکه شدن بافت تاریخی	
حرم‌های ساختاری	ساختار مرزهای قلمرویی	حفظ مرزهای هویتی بافت، کنترل نفوذ مداخلات ناسازگار، تقویت مرزهای ادراکی-کالبدی شهر تاریخی	
پایداری الگوی فضایی	تداوم شبکه فضایی تاریخی	حفظ پیوستگی شبکه معابر و فضاهای میان‌بافتی، تداوم روابط فضایی تاریخی، جلوگیری از گسست در سازمان فضایی و اختلال در پیوستار حرکتی-فضایی بافت	
الگوی معابر تاریخی	ساختار فضایی گذرها	حفظ پیچیدگی فضایی، شکست‌های حرکتی کنترل‌شده، تداوم شبکه ارگانیک معابر	
توازن و تنوع کاربری‌ها	سازمان فعالیت در مقیاس بافت	حفظ تنوع و تعادل عملکردی در سطح بافت، جلوگیری از غلبه کاربری‌های تک‌عملکردی، هم‌خوانی استقرار فعالیت‌ها با ظرفیت و ساختار تاریخی بافت	

	وضوح ساختار شهر تاریخی	قابلیت ادراک و تشخیص ساختار تاریخی بافت، وضوح سلسله مراتب فضایی و حرکتی، تقویت هویت پذیری و انسجام ادراکی در مقیاس شهری	
---	---------------------------	---	---

در این سطح، تمرکز بر ساختار کلان، شبکه‌های ارتباطی، الگوهای کاربری اراضی، سیمای شهری، منظر فرهنگی و سازمان فضایی بافت‌های تاریخی است. مداخلات در این سطح بر ساختار کالبدی-فضایی، تداوم منظر فرهنگی، ریخت‌شناسی کلان، شبکه معابر، الگوی بلوک‌بندی، ارتباط با بستر طبیعی و منظر شهری متمرکز است. شاخص‌های کلیدی این سطح شامل: توزیع عادلانه فضاها و خدمات، توازن دسترسی در شبکه فضایی، تداوم منطق شکل‌گیری تاریخی، یکپارچگی ساختار بافت، ساختار مرزهای قلمرویی، تداوم شبکه فضایی تاریخی، ساختار فضایی گذرها، سازمان فعالیت در مقیاس بافت و وضوح ساختار شهر تاریخی می‌باشد. در این سطح، طراح شهری، برنامه‌ریز شهری، مدیر میراث و سیاست‌گذار نقش اصلی را ایفا می‌کنند و ابزارهای ارزیابی شامل تحلیل ریخت‌شناختی (Morphological Analysis)، سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS)، تحلیل شبکه، ارزیابی منظر فرهنگی، مطالعات سیمای شهری و تحلیل لایه‌های تاریخی در مقیاس کلان است. بافت شهری، به‌عنوان زمینه و ساختار کلان، سازمان‌دهنده هویت و شخصیت شهر است و تداوم و اصالت آن، شرط بقای ارزش‌های میراثی در سطوح خردتر محسوب می‌شود.

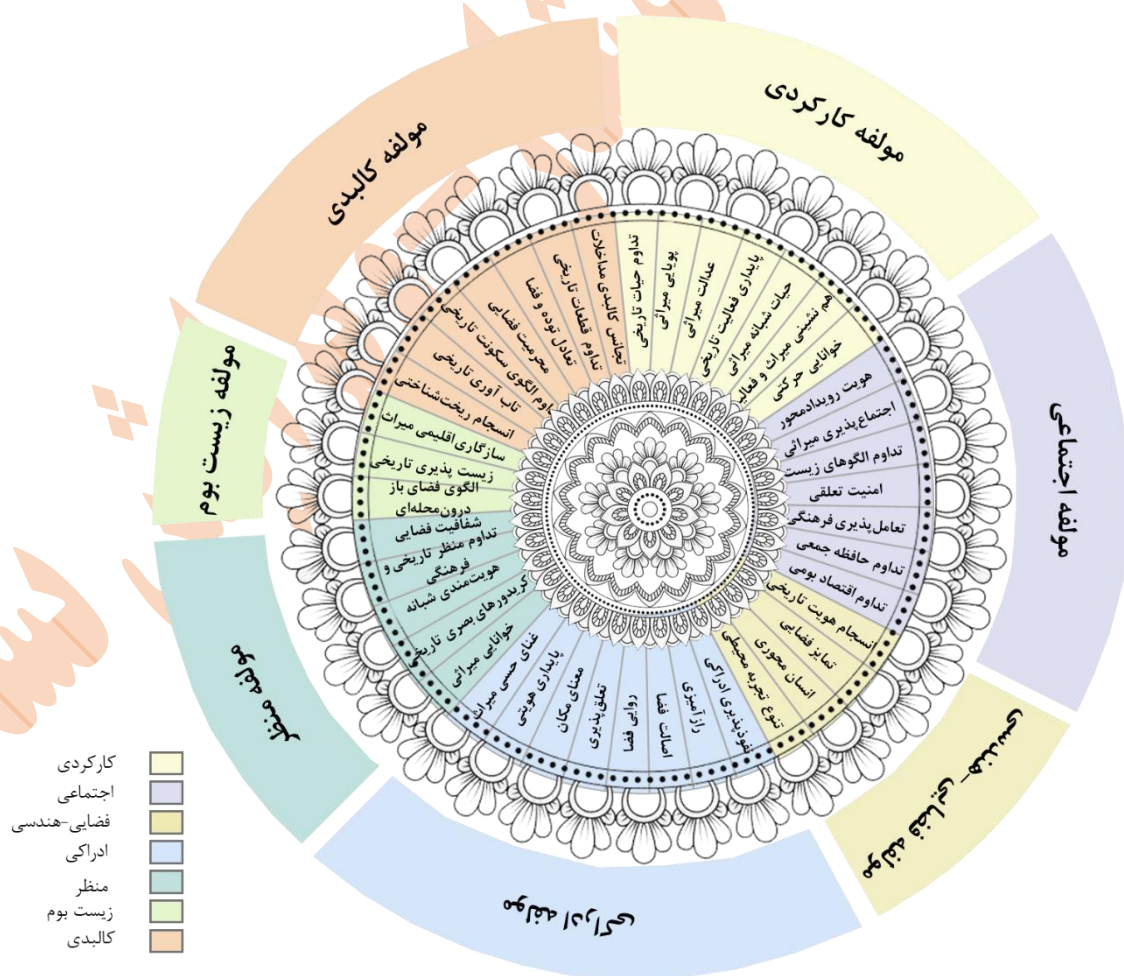
تفکیک سه سطح بنا، فضای شهری و بافت شهری در طراحی شهری حساس به میراث، نه یک انتخاب شکلی، بلکه یک ضرورت تحلیلی و روش‌شناختی است که ریشه در ماهیت چندلایه و پیچیده شهر دارد. شهر، به‌عنوان یک موجودیت یکپارچه و در عین حال چندساخته، دارای لایه‌ها و زیرسامانه‌هایی است که هر یک نیازمند ابزارها، روش‌ها و راهبردهای مداخله‌ای متناسب با خود هستند. به عبارت دیگر، در حالی که بافت شهری به عنوان ساختار کلان و سازمان‌دهنده کالبدی شهر عمل می‌کند، فضای شهری به عنوان عرصه تعاملات اجتماعی و حیات مدنی، و بنا به عنوان خردترین عنصر سازنده این ساختار، هر یک دارای منطق درونی، معیارهای کیفی و آسیب‌پذیری‌های خاص خود هستند. از این رو، نمی‌توان با ابزارهایی که در مقیاس کلان شهری کاربرد دارند (مانند تحلیل شبکه‌های ارتباطی یا الگوهای کاربری اراضی)، به حل مسائل در مقیاس خرد (مانند جزئیات کالبدی یک بنا یا کیفیت جداره‌های یک فضای شهری) پرداخت و بالعکس. با این حال، تأکید بر تفکیک سطوح، به معنای نادیده گرفتن ماهیت یکپارچه و به هم پیوسته شهر نیست. شهر، موجودیتی است که در آن لایه‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و ادراکی به گونه‌ای در هم تنیده شده‌اند که هرگونه مداخله در یک لایه، می‌تواند پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی در لایه‌های دیگر به دنبال داشته باشد. از این رو، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی سیستمی-تحلیلی، ضمن تمایز قائل شدن میان سه سطح مذکور، بر ارتباطات متقابل، تأثیرات هم‌افزایانه و همبستگی ساختاری آنها تأکید می‌ورزد.

پس از استخراج و پالایش شاخص‌های طراحی شهری حساس به میراث در سه مقیاس بنا، فضای شهری و بافت شهری و حصول اجماع نظر خبرگان در ۹۲٪ شاخص‌ها، گام بعدی پژوهش به یکپارچه‌سازی و بازچینش این شاخص‌ها بر اساس مؤلفه‌های هفت‌گانه طراحی شهری اختصاص یافت. این گام که در واقع نوعی تحلیل ترکیبی مجدد بر روی شاخص‌های تفکیک‌شده محسوب می‌شود، با هدف شناسایی الگوهای مشترک، کاهش ابعاد تحلیلی و فراهم آوردن زمینه‌ای برای کاربست عملیاتی‌تر مدل در فرآیندهای طراحی و ارزیابی شهری صورت پذیرفت. در این بازچینش، کلیه شاخص‌های مستخرج از سه سطح (بنا، فضای شهری و بافت شهری) بدون در نظر گرفتن تمایز مقیاسی اولیه، در قالب هفت مؤلفه اصلی طراحی شهری یعنی «کارکردی، اجتماعی، فضایی-هندسی، ادراکی، منظر، زیست‌بوم و کالبدی» دسته‌بندی مجدد شدند. این رویکرد، ضمن

حفظ دستاوردهای تفکیک سه سطحی، امکان خوانشی یکپارچه تر و سیستمی تر از شاخص ها را فراهم می آورد و این قابلیت را می دهد که از منظر «نظام های عملکردی شهر» به تحلیل حساسیت مداخلات در بافت های تاریخی پردازد.

نخستین و مهم ترین دلیل اتخاذ این امر، حرکت به سوی نگرش سیستمی در تحلیل بافت های تاریخی است. مداخله طراحی در مقیاس بنا (مانند الحاق به یک ساختمان تاریخی) می تواند بر کیفیت فضای شهری (مقیاس میانه) و حتی ساختار بافت (مقیاس کلان) تأثیر بگذارد. از این رو، بازچینش شاخص ها بر اساس مؤلفه های هفت گانه که در ادبیات طراحی شهری به عنوان ابعاد اصلی کیفیت فضای شهری شناخته می شوند، امکان ارزیابی هم زمان و متقابل تأثیرات یک مداخله بر ابعاد مختلف کیفیت شهری را فراهم می آورد. **دومین مزیت این بازچینش، تسهیل کاربست مدل در فرآیندهای طراحی و ارزیابی شهری**

است. در حالی که مدل اولیه با ۴۱ شاخص در سه مقیاس، از غنای تحلیلی بالایی برخوردار است، اما ممکن است برای کاربران عملی (مانند طراحان شهری، مرمت گران و مدیران میراث) تا حدی پیچیده و دشوار باشد. بازچینش شاخص ها در قالب هفت مؤلفه کلان، مدل را به ابزاری کاربردی تر، قابل فهم تر و عملیاتی تر تبدیل می کند و به کاربران این امکان را می دهد که در هر مرحله از طراحی، بر مؤلفه ای خاص متمرکز شده و شاخص های مرتبط با آن را ارزیابی نمایند. به عنوان مثال، در مرحله تحلیل کارکردی یک پروژه، طراح می تواند به سرعت به مؤلفه «کارکردی» مراجعه کرده و شاخص های مرتبط با آن (اعم از شاخص های مستخرج از هر سه سطح) را بررسی نماید، بدون آنکه نیاز به مراجعه جداگانه به هر یک از سه مقیاس داشته باشد. از این روی در شکل شماره ۳ مؤلفه ها و معیارهای نهایی طراحی شهری حساس به میراث در قالب مؤلفه های هفت گانه طراحی شهری ارائه شده است.



شکل ۳- مؤلفه ها و معیارهای طراحی شهری حساس به میراث

۵- نتیجه گیری

طراحی شهری حساس به میراث رویکردی نوپدید در حوزه مطالعات شهری (برنامه‌ریزی و طراحی شهری) است که در پی ایجاد تعادل میان نیازهای توسعه معاصر و حفاظت از ارزش‌های ملموس و ناملموس بافت‌های تاریخی می‌باشد. با وجود افزایش مداخلات ساختمانی و زیرساختی در پهنه‌های دارای ارزش میراثی در شهرها، فقدان یک چارچوب نظری و عملی منسجم برای سنجش «حساسیت» این مداخلات نسبت به زمینه‌های تاریخی، به عنوان یک شکاف پژوهشی اساسی احساس می‌شود. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که هرگونه مداخله نامناسب در بناها، فضاهای شهری و بافت‌های ارزشمند، نه تنها به اصالت کالبدی آسیب می‌زند، بلکه گسست از حافظه جمعی و حس مکان را نیز به دنبال دارد. از این رو، تدوین مدلی که بتواند به صورت نظام‌مند، ابعاد، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و شیوه‌های ارزیابی طراحی حساس به میراث را در مقیاس‌های مختلف مشخص سازد، یک ضرورت علمی و عملی محسوب می‌شود.

پژوهش حاضر با هدف اصلی «ارائه مدل مفهومی و چارچوب عملیاتی طراحی شهری حساس به میراث» در راستای پاسخ‌گویی به دو پرسش اساسی صورت می‌پذیرد: نخست، «جایگاه و اهمیت طراحی شهری حساس به میراث در شهرسازی معاصر چیست؟» و دوم، «مؤلفه‌ها، معیارها و سنجه‌های طراحی شهری حساس به میراث در مداخلات شهری به تفکیک مقیاس مداخله کدامند؟». برای دستیابی به این هدف، پس از بررسی نظام‌مند ادبیات نظری و پیشینه‌های تجربی مرتبط، کوشش شده است تا مدل مفهومی طراحی شهری حساس به میراث در سه مقیاس اصلی و به هم پیوسته شامل مقیاس بنا (و عناصر معماری منفرد)، مقیاس فضای شهری (محورها، میادین، گذرها) و مقیاس بافت شهری (محله، منطقه تاریخی) تبیین گردد. بر این اساس، برای هر یک از این سطوح، کیفیت‌های کلیدی، مؤلفه‌های سازنده و سنجه‌های عملیاتی‌شونده (شاخص‌های کمی و کیفی) شناسایی و استخراج شده و در نهایت، چارچوب جامعی ارائه می‌شود که بتواند راهنمای طراحان، برنامه‌ریزان و مدیران شهری در مواجهه آگاهانه و حساس با میراث قرار گیرد.

فرآیند پژوهش در سه فاز اصلی سازماندهی گردید. فاز اول به مرور نظام‌مند ادبیات و مبانی نظری حوزه‌های مرتبط (ارزش‌های میراث معماری و شهرسازی، طراحی شهری حساس به میراث) اختصاص داشت که با جستجو در پایگاه‌های معتبر داخلی و بین‌المللی و تحلیل محتوای کیفی ۸۳ منبع منتخب، مدل اولیه مشتمل بر سه مقیاس و فهرستی مقدماتی از مؤلفه‌ها و شاخص‌ها استخراج گردید. فاز دوم، پالایش مدل با استفاده از تکنیک دلفی در سه دور با مشارکت پانلی ۲۵ نفره از خبرگان سه حوزه تخصصی «طراحی شهری»، «مرمت و حفاظت میراث» و «ارزیابی محیطی» بود. در این فاز، پس از اجرای پرسشنامه باز و بسته و تحلیل نتایج با معیارهای میانگین اهمیت ($3.5 \leq$) و میزان توافق ($0.60 \leq$)، اجماع نظر در ۹۲٪ شاخص‌ها حاصل شد و مدل پالایش‌شده نهایی با ۴۱ شاخص در سه مقیاس به دست آمد. فاز سوم به تدوین مدل نهایی و چارچوب ارزیابی اختصاص یافت که در آن برای هر یک از ۴۱ شاخص، شیوه ارزیابی مناسب تعیین گردید.

جمع‌بندی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که طراحی شهری حساس به میراث را نمی‌توان با رویکردی تک‌مقیاسی و یکسان تحلیل کرد؛ بلکه تمایز سه مقیاس «بنا»، «فضای شهری» و «بافت شهری» یک نوآوری اساسی است که امکان مداخله دقیق‌تر و زمینه‌گراتر را فراهم می‌آورد. برای مقیاس بنا، شاخص‌هایی نظیر «تداوم ریخت‌شناختی»، «هماهنگی مصالح و رنگ»، «خوانایی جزئیات» و «حفاظت از اصالت جوهری» از اولویت بالاتری برخوردارند. در مقیاس فضای شهری، شاخص‌های «نفوذپذیری بصری»، «مقیاس انسانی»، «تعاملات اجتماعی»، «کیفیت جداره‌های فعال» و «هماهنگی مبلمان شهری» بیشترین اهمیت را دارند. در مقیاس بافت شهری، شاخص‌های «ساختار ریخت‌شناختی»، «تداوم منظر فرهنگی»، «حس مکان جمعی»، «خوانایی سلسله‌مراتبی» و «ارتباط با بستر طبیعی» نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند. همچنین برای هر شاخص، شیوه ارزیابی متناسب

تعیین گردید؛ برای نمونه، «نفوذپذیری بصری» با تحلیل جداره و شبیه‌سازی سه‌بعدی، «حس مکان» با پرسشنامه از ساکنان و مشاهده مشارکتی، و «ساختار ریخت‌شناختی» با تحلیل نحو فضا و نقشه‌های ریخت‌شناختی قابل سنجش است. مدل نهایی پژوهش نشان می‌دهد که طراحی حساس به میراث یک مقوله دوجوهری است: از یک سو نیازمند حفظ و تقویت ارزش‌های کالبدی نهفته در بناها و بافت‌هاست و از سوی دیگر باید به ابعاد ادراکی، کارکردی و اجتماعی فضاهای شهری نیز توجه کند.

در پایان، پژوهش حاضر گامی به سوی نظام‌مند کردن دانش طراحی در بافت‌های تاریخی و ایجاد پلی میان نظریه حفاظت از میراث و عمل طراحی شهری معاصر برداشته است. مدل مفهومی و چارچوب ارزیابی ارائه شده، با تفکیک سه مقیاس بنا، فضای شهری و بافت شهری و تعیین شاخص‌ها و شیوه‌های ارزیابی اختصاصی برای هر یک، می‌تواند به عنوان یک ابزار مرجع برای طراحان شهری، برنامه‌ریزان، مرمت‌گران و مدیران میراث در جهت دستیابی به مداخلاتی همسو با ارزش‌های زمینه‌های تاریخی مورد استفاده قرار گیرد. امید است که این چارچوب، زمینه‌ساز تحقق رویکردی متوازن و حساس به میراث در پروژه‌های توسعه و بازآفرینی شهری در ایران باشد.

منابع و مآخذ

- ۱) آیشم، معصومه و میرغلامی، مرتضی و نژادابراهیمی، احد (۱۴۰۱): آینده پژوهی جایگاه ارزش‌های شهر اسلامی - ایرانی در بافت‌های تاریخی با رویکرد تحلیل ساختاری و سناریونگاری (مطالعه موردی: بافت تاریخی تبریز)، نشریه هفت حصار، شماره ۴۰، صص ۱۵۰-۱۳۱.
- ۲) آیشم، معصومه (۱۳۹۵): طراحی مسیر اقوام و ادیان در بافت کهن شهر ارومیه با رویکرد گردشگری فرهنگی بر اساس طراحی ارزش‌مدار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری. دانشکده معماری و شهرسازی. دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- ۳) باقری، مهدی و کلانتری، میترا (۱۴۰۲): بررسی روند احیا بافت‌های با ارزش تاریخی در ارتقا معماری معاصر ایران، نشریه معماری‌شناسی، سال ششم، شماره ۲۷، صص ۱۱-۱.
- ۴) حجت، مهدی (۱۳۸۱): میراث فرهنگی در ایران سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی. انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور (معاونت معرفی و آموزش).
- ۵) حسن زاده، مهرنوش و سلطان زاده، حسین (۱۳۹۶): تدوین مدل مفهومی تحقق پایداری بافت‌های تاریخی با رویکرد راهبردی برنامه‌ریزی بازآفرینی، نشریه باغ نظر، سال ۱۴، شماره ۵۶، صص ۷۰-۵۵.
- ۶) حناچی، پیروز، و محمود پورسراجیان (۱۳۹۱): احیای بافت تاریخی با رویکرد مشارکت. تهران: دانشگاه تهران.
- ۷) رحیم زاده، محمدرضا و نجفی، مهنام (۱۳۸۸): جایگاه درک ارزش‌های ماهوی اثر تاریخی در روند احیای آن، نخستین همایش ملی شناخت و معرفی مزیت‌ها و ظرفیت‌های احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی، تهران.
- ۸) عباس زاده مظفر، کریمی‌رضا (۱۴۰۳). تبیین جایگاه ارزش‌های میراث معماری و شهرسازی در طرح‌های توسعه شهری (مطالعه موردی: منطقه شمال غرب ایران) پژوهش‌های معماری اسلامی ۱۲ (۳): ۵۵-۳۶.
- ۹) عباس زاده، مظفر و محمدمرادی، اصغر و آیشم، معصومه (۱۴۰۱): واکاوی اسناد مرتبط یکصدسال اخیر با هدف بررسی رابطه ارزش و حفاظت در حوزه میراث فرهنگی، نشریه اثر، دوره ۴۳، شماره ۴، صص ۷۹۶-۷۷۰.
- ۱۰) فیلدن، برنارد، و یوکا یوکیلتو (۱۳۸۲): ارزش‌گذاری به منظور حفاظت، ترجمه بهرام معلمی، مجله هفت شهر، سال چهارم، شماره ۱۲ و ۱۳.
- ۱۱) کرمونا، متیو (۱۳۹۴): مکان‌های عمومی، فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری، مترجمان: اسماعیل صالحی، فریبا قرائی، زهرا اهری، مهشید شکوهی، انتشارات دانشگاه هنر: تهران.
- ۱۲) کلانتری، محمدمهدی (۱۴۰۱): پرونده مداخلات در بافت‌های تاریخی، فصلنامه اختصاصی پردیس معماری، شماره اول، صص ۳۵-۲۴.

- ۱۳) نژاد ابراهیمی، احد و محمدرضا پور جعفر و مجتبی انصاری و پیروز حناچی (۱۳۹۲): ارزش و ارتباط آن با رویکرد مداخله در آثار فرهنگی-تاریخی. دوفصلنامه علمی-پژوهشی مرمت و معماری ایران ۶(۳): ۷۹-۹۸.
- ۱۴) نظیری، زهرا و فدایی نژاد، سمیه (۱۴۰۱): گونه شناسی ارزش های میراث مدرن، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۲۷، شماره ۲، صص ۳۲-۲۱.
- ۱۵) یادگاری، زهره (۱۳۹۹): قابلیت های روش شفاهی در انتقال و حفاظت معنا در میراث فرهنگی، نشریه باغ نظر، ۱۷ (۹۲)، ۱۱۲-۱۰۳.

- 16) Abdurahiman, S. (2025). Urban Heritage Sociocultural Impact Assessment (UHSCIA): Scale Development and Psychometric Validation. *Built Heritage*, 9:35. DOI: 10.1186/s43238-025-00206-y.
- 17) Araoz, G. F. (2011). Preserving heritage places under a new paradigm. *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development*, 1(1), 55-60.
- 18) Appendino, F. (2018). Heritage-related Indicators for Urban Sustainable Development: A Systematic Review. *Urban Transportation and Construction*, 4(1). DOI: 10.18686/utc.v4i1.32.
- 19) Avrami, E, S Macdonald, R Mason, and D Myers (2019). Values in Heritage Management: Emerging Approaches and Research Directions. J. Paul Getty Trust. <https://books.google.com/books?id=MtuxDwAAQBAJ>.
- 20) City of Cape Town. (2025). Heritage advice guidelines booklet 02: Design in a heritage context. Cape Town: City of Cape Town, Environment and Heritage Management.
- 21) De la Torre ed, Marta (2002). Assessing the Values of Cultural Heritage. Los Angeles: CA: Getty Conservation Institute.
- 22) Faulkner, W. and Davies, S (2020): Design Guide for Heritage, Government Architect New South Wales. Wales Government
- 23) Feilden, B .2003. Conservation of historic buildings, Butterworths & co (publishers) Ltd, London.
- 24) Galway City Council. (2023). Galway City Development Plan 2023-2029 – Chapter 8: Built Heritage, Placemaking and Urban Design. Galway: Galway City Council.
- 25) Ghandehariun, S. and Faghihi, SV (2025). Dynamic decision-support for heritage-sensitive urban regeneration: An AI-driven framework integrating socio-cultural sustainability. *Results in Engineering*, Volume 28, Pp 108189 (1-10). <https://doi.org/10.1016/j.rineng.2025.108189>.
- 26) Lewis, R. M. (2022). Design sources for historic building conservation (IHBC Guidance Notes GN2022/1). Institute of Historic Building Conservation (IHBC).
- 27) Massue, J. P., & Schvoerer, M. (2019). Protection of cultural heritage (Module BI-4/C). School of Civil Protection.
- 28) Nejad Ebrahimi, Ahad .2015. Effective Urban Values on conservation of historical contexts: The case of Isfahan-Iran, *Archnet-iajr*, volume9, Issue 1, 181-197.
- 29) Randall, M .2002. Assessing Values in Conservation Planning: Methodological Issues and Choices. Assessing the values of cultural heritage. Page 5-30.
- 30) Riegl, A 1996. The modern cult of monuments: It's character and it's origin. In N. Price et al(eds), *Historical and philosophical issues in the conse rvation of cultural heritage*. Los Angeles: The Getty Conservation Institute.
- 31) Seymen, E. and Arabacıoğlu, F.P. and Sungur, A (2026). “Wise city” approach for architectural design in historical contexts: Visual integrity and decision support with 3D GIS. *Frontiers of Architectural Research*, Volume 15, Issue 5, Pp 1823-1843. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2025.12.002>

- 32) Soydan, O., & Tekinalp, M. F. (2025). GIS-Based Framework for Integrating Urban Heritage and Lighting Planning. *Buildings*, 15(24), 4435. <https://doi.org/10.3390/buildings15244435>
- 33) UNESCO. (2016). *New Urban Agenda and Historic Urban Landscape Reports*. Paris, France: UNESCO.
- 34) Wells, J. (2009). *Historic Preservation Challenges to Collaboration with Other Disciplines, The Ethical Design of places*.
- 35) Williamson, K. (2010). *Development and Design of Heritage Sensitive Sites*. Routledge Publication.
- 36) Zhang, J. and Faziawati A. and Hasna, MF (2026). Heritage-sensitive urban vitality assessment: A transferable framework for historic pedestrian districts. *Journal of Chinese Architecture and Urbanism*. Volume X, 025520101. <https://doi.org/10.36922/JCAU025520101>